

هر گاه در یک قضیه ، محمول جزء ذات و حقیقت یا تعریف موضوع باشد حمل محمول بر موضوع ضروری است یعنی نیازی به دلیل و اثبات ندارد مثال: عدد پنج فرد است / انسان حیوان است.

اما اگر محمول جزء ذات و حقیقت یا تعریف موضوع نباشد حمل غیر ضروری است و نیاز به دلیل و اثبات دارد مثال: علی شجاع است / انسان مهربان است.

15. کدام عبارت صحیح و کدام غلط است. (نهایی 98 و 99)

1. وجود وجه اختصاصی موجودات و ماهیت وجه مشترک آنها می باشد. (غ)
2. حمل حیوان ناطق بر انسان یک حمل ضروری است و به دلیل نیاز دارد. (غ)

نکات مهم درس:

1. موضوع دانش فلسفه وجود است و اصل دانش فلسفه را وجود شناسی نیز می گویند.
 2. یکی از مباحث اولیه فلسفه درک دو مفهوم وجود و ماهیت و تعیین نسبت میان آن دو است.
 3. وجود وجه مشترک موجودات است و ماهیت وجه اختصاصی آن ها.
 4. فارابی به نسبت میان وجود و ماهیت توجه ویژه ای کرد.
 5. تفاوت انسان و حیوان ناطق صرفاً در اجمال و گستردگی شان است. یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است و انسال همان اجمال و خلاصه حیوان ناطق است.
 6. حمل وجود بر هر چیستی و ماهیتی از جمله انسان نیازمند دلیل است. و این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض.
 7. مغایرت (فرق) وجود و ماهیت یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است.
 8. برهان ابن سینا برای اثبات وجود خدا برهان وجوب و امکان نام دارد.
 9. نظریه مغایرت وجود و ماهیت پایه برهان ابن سینا برای اثبات وجود خدا قرار گرفت.
 10. یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام توماس آکوئیناس اصل مغایرت وجود و ماهیت ابن سینا را در اروپا گسترش داد.
 11. توماس آکوئیناس نظریه مغایرت وجود و ماهیت را پایه برهان خود در خداشناسی قرار داد و فلسفه ی تومیسیم را پایه گذاری نمود. فلسفه ی او بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و ابن رشد بود.
 12. در قرن 16 میلادی با رشد تجربه گرایی فلسفه های حس گرا و تجربه گرا در اروپا گسترش یافت.
 13. به عقیده ابن سینا، هستی و چیستی دو مفهوم یا جنبه متفاوت از یک موجود واحد هستند.
 14. فیلسوفان غربی از طریق ابن سینا و ابن رشد بار دیگر با فلسفه ارسطویی آشنا شدند. پایان درس اول یادآوری: هر قضیه حملی از سه جزء به نام موضوع، محمول و رابطه تشکیل می شود.
- مثال: انسان حیوان ناطق است. انسان: موضوع حیوان ناطق: محمول است: رابطه یا نسبت

« درس دوم: جهان ممکنات »

1. چند نوع رابطه میان موضوع و محمول یک قضیه وجود دارد؟ با مثال تعریف کنید

الف) رابطه وجوبی (ضروری): زمانی است که در قضیه ای ارتباط میان موضوع و محمول ضروری و حتمی باشد مثال: عدد چهار زوج است / انسان حیوان است.

ب) رابطه امتناعی (ممتنع): اگر برقراری ارتباط بین موضوع و محمول یک قضیه غیر ممکن و محال باشد رابطه امتناعی است. مثال: عدد هشت فرد است / خدا دارای شریک است (خرداد 99)

ج) رابطه امکانی: زمانی است که برقراری ارتباط بین موضوع و محمول قضیه احتمالی است یعنی می تواند باشد و می تواند نباشد مثال: دیوار خانه ما سفید است / هوا سرد است.

2. در قضایای زیر نوع رابطه میان موضوع و محمول را مشخص کنید. (تمرین کتاب)

الف) مجموع دو ضلع مثلث بزرگتر از ضلع سوم است (واجب)

ب) ارتفاع و میانه در مثلث یکی است. (ممکن)

ج) مجموع زوایای مثلث برابر با سه قائمه است. (ممتنع)

3. رابطه وجود را با هر یک از موضوعات زیر مشخص کنید (امکانی / امتناعی / وجوبی) (تمرین کتاب)

خاک (امکانی)، مهربانی (امکانی)، سوختن (امکانی)، سیاه سفید (امتناعی)، دیو (امکانی)،

خداوند (وجوبی)، فرشتگان (امکانی)، دریای جیوه (امکانی)، روح (امکانی)، پرنده (امکانی)

انرژی (امکانی)، مربع پنج ضلعی (امتناعی).

4. منظور از واجب الوجود بالغير چیست؟ مثال بزنید

موجوداتی هستند که در ذات و ماهیت خود ممکن الوجودند و به واسطه علت های بیرونی ضرورت وجود پیدا کردند مانند انسان و تمام اشیاء و موجوداتی که اکنون وجود دارند واجب الوجود بالغيرند.

5. وقتی می گوئیم رابطه ماهیت انسان با وجود یک رابطه امکانی است منظور چیست؟

یعنی انسان می تواند باشد و می تواند نباشد، ذات او به گونه ای نیست که حتما باشد و همچنین به گونه ای نیست که حتما نباشد. (نسبت به وجود و عدم حالت مساوی دارد)

6. تکمیل کنید (تمرین کتاب)

الف) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد واجب الوجود می گویند.

ب) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه احتمالی دارد ممکن الوجود می نامند.

ج) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد ممتنع الوجود می گویند.

موجودات و ماهیات عالم :

واجب الوجود بالذات (فقط خداوند) : بدون نیاز به هیچ علتی و ذاتاً موجود است و محال است که نباشد.
 واجب الوجود بالغیر (انسان ، درخت) : اشیاء و موجوداتی که به وجود آمده اند اما این وجود از خودشان نیست بلکه از غیر و علتی دیگر دریافت کرده اند.
 ممکن الوجود بالذات (دیو، میز): در ذات و ماهیتش نسبت به وجود و عدم حالت تساوی دارند .
 ممتنع الوجود بالذات (شریک خدا ، دایره منتظم الاضلاع): ذاتا چنین چیزی نمی تواند وجود داشته باشد و محال است.

نکات مهم درس

1. موجودات ماکروسکوپی به ابر موجودات و موجودات میکروسکوپی به ریز موجودات گفته می شود.
2. تمام موجودات عالم به غیر از خداوند در ذات خود نسبت به وجود حالت امکانی دارند.
3. تمام موجودات و اشیائی که در حال حاضر در جهان وجود دارند واجب الوجود بالغیرند. (به جز خدا)
4. با بودن علت، وجود برای انسان و هر موجود دیگری ضروری شده و واجب الوجود می گردند.
5. اگر رابطه ذاتی یک ماهیت و موجودی با وجود رابطه امتناعی باشد هرگز نمی تواند به وجود بیاید .
6. اگر حقیقتی رابطه اش با وجود ضروری باشد حتما به وجود می آید.
7. هر واجب الوجود بالغیری در اصل ممکن الوجود بالذات است که با بودن علت واجب الوجود شده .
8. اگر ماهیتی را در نظر بگیریم اما در جهان نیابیم معلوم می شود که این ماهیت از حالت امکانی خارج نشده است و علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد.

تمرین : مشخص کنید هر یک از موارد زیر در کدام دسته از ماهیات قرار می گیرند.

خداوند (واجب الوجود بالذات)	سنگ (واجب الوجود بالغیر)
سیمرغ (ممکن الوجود بالذات)	عدد بی نهایت (ممتنع الوجود بالذات)
انسان (واجب الوجود بالغیر)	کوه الماس (ممکن الوجود بالذات)
فرشتگان (واجب الوجود بالغیر)	مثلث چهار ضلعی (ممتنع الوجود بالذات)
اجتماع نقیضین (ممتنع الوجود بالذات)	اسب آتش خوار (ممکن الوجود بالذات)

تست: کدام مورد ممتنع الوجود است؟ کنکور 98

الف) اسب آتش خوار	ب) انسان هفت سر بالدار
ج) دایره منتظم الاضلاع	د) فیلی به اندازه مورچه

پایان درس دوم

« درس سوم: جهان علی و معلولی »

1. علت و معلول را تعریف کنید.

علت چیزی است که به معلول وجود می دهد و وجود معلول متوقف بر وجود آن است یعنی تا علت نباشد معلول هم پدید نمی آید.

معلول چیزی است که وجودش را از چیزی دیگر یعنی علت می گیرد و در وجود خود نیامند به علت است

2. رابطه ی علیت را تعریف کنید و تفاوت آن را با سایر رابطه ها بنویسید. (شهریور 99)

رابطه علیت رابطه ای وجودی است که در آن یک طرف یعنی علت به طرف دیگر یعنی معلول وجود می دهد. مانند رابطه دوستی نیست که در آن ابتدا وجود دو فرد فرض می شود و سپس رابطه ی دوستی برقرار می گردد.

3. دیدگاه دکارت را درباره ی رابطه علیت بنویسید.

الف) اصل علیت بدون دخالت تجربه به دست می آید.

ب) یکی از مفاهیم اولیه است که به طور فطری و مادر زادی قابل درک است.

ج) درک رابطه علیت نیاز به تجربه و آموزش ندارد.

4. تجربه گرایان یا امپریست ها چه دیدگاهی در رابطه با اصل علیت دارند؟ با مثال بیان کنید

چون آن ها هر چیزی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند، معتقدند که انسان از طریق حس به توالی پدیده ها پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد. برای مثال چون زمین همیشه با آمدن خورشید روشن و با رفتن آن تاریک می شود انسان از طریق حس و تجربه یک رابطه ضروری میان خورشید و روشن شدن زمین برقرار کرده است و اسم این رابطه را علیت گذاشته است.

5. نظر دیوید هیوم را درباره ی چگونگی درک رابطه علیت با ذکر مثال شرح دهید. (خرداد و دی 99)

او که خود تجربه گراست درک رابطه علیت از طریق تجربه را رد می کند و می گوید علیت مفهومی فراتر از حس است. بر اثر تکرار پدیده ها در ذهن ما یک تداعی بوجود می آید که چیزی جز یک امر روانی نیست و ما عادت کرده ایم چیزی را علت چیز دیگر بنامیم. (برای مثال بر اثر تکرار مشاهده خورشید و روشن شدن زمین در ذهن ما چنین تداعی می شود که خورشید علت روشن شدن زمین است و این تداعی چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده ها نیست.)

6. نظر فلاسفه مسلمان را در مورد نحوه درک اصل علیت بنویسید. (شهریور و دی 99)

اصل علیت یک قاعده عقلی است و از راه تجربه به دست نمی آید زیرا هر داده ی تجربی مبتنی بر قاعده علیت است آنان می گویند همین که ذهن انسان متوجه اصل امتناع انقیاضین شد در می یابد که پدیده ها خود به خود وجود نمی آیند زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد به معنای آن است که چیزی که نیست باشد و این محال است.

7. به نظر فیلسوفان چرا یک پدیده نمی تواند خود به خود و بدون علت بوجود آید ؟ (خرداد و دی 99)

زیرا اینکه چیزی خودش به خودش وجود بدهد به معنای آن است که چیزی که نیست قبلاً بوده باشد تا بتواند اکنون خودش را بوجود بیاورد و این همان اجتماع نقیضین است که محال است.

8. اصل امتناع اجتماع نقیضین یعنی چه؟ یعنی محال و غیر ممکن است دو چیزی که ذاتاً با هم متناقض و ضد هستند با هم جمع شوند مانند تاریکی و نور.

9. با توجه به نظر ابن سینا چرا درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؟

زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط به دنبال هم آمدن یا همراه هم آمدن برخی پدیده ها را در می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای علیت نیست لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گراست مانند هیوم نمی تواند تبیین قانع کننده ای از علیت ارائه کند.

10. اصل سنخیت علت و معلول را با ذکر مثال تعریف کنید. (خرداد و شهریور 99)

انسان علاوه بر اینکه درک می کند هر حادثه علتی دارد ، درک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علت خاصی صادر می شود و هر علتی نیز معلول خاص خود را دارد برای مثال غذا سیراب می کند و یا برای باسواد شدن باید درس خواند.

11. اصل سنخیت چه نقش و کاربردی در تحقیقات دانشمندان دارد؟ دانشمندان با تکیه بر اصل سنخیت تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند ، آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده دارد و علت آن پدیده را در میان آن عوامل جستجو می کنند تا اینکه به علت ویژه آن دست یابند.

12. سه مورد از نتایج اصل علیت را ذکر کنید.

الف) وجود ارتباط و پیوستگی میان پدیده ها ب) امکان پیش بینی رخدادها ج) امکان پیشگیری از برخی حوادث

13. چند مورد از نتایج اصل سنخیت را بنویسید.

الف) انسان از هر چیزی انتظار آثار متناسب با خودش را دارد بنابراین می کوشد ویژگی های هر شی را بشناسد و به تفاوت های آن را با اشیاء دیگر پی برد. تا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

ب) می توان برای نظم دقیق جهان پشوانه عقلی قائل شد.

ج) امکان پژوهش و تحقیق د) تنظیم امور زندگی ه) به وجود آمدن شاخه های مختلف دانش

14. اصل وجوب علی و معلولی را تعریف کنید.

اگر علت یک چیزی بوجود آید وجود آن چیز نیز واجب می شود و ضرورت می یابد و آن چیز موجود می شود. یعنی اگر علت موجود باشد ضرورتاً و وجوباً باعث پیدایش معلول می شود.

15. دیدگاه های زیر نظر کدام یک از فلاسفه در باره ی اصل علیت است؟ (تمرین کتاب)

1. علیت حاصل توالی پدیده هاست (تجربه گرایان و هیوم)

2. درک انسان از علیت درکی فطری است (دکارت)

3. چون انسان از جهت ذاتی ممکن است نیاز به علت دارد (ابن سینا)

4. اصل علیت یک اصل تجربی است (تجربه گرایان)

5. اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است (فلاسفه ی مسلمان)

16. اشعار زیر کدام اصل را تایید می کنند؟

(الف) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جوز جو (سنخیت علت و معلول)

(ب) چو بد کردی مشو غافل ز آفات که واجب شد طبیعت را مکافات (وجوب علی و معلولی)

نکات مهم درس

1. انسان از همان اوایل کودکی از چیستی و چرایی اشیاء پرسش می کند.
2. یکی از کهن ترین مسائل فلسفی مسئله علت و معلول است.
3. رابطه میان علت و معلول یک رابطه وجودی است.
4. کلمه چرا بازتابی از درک رابطه علیت است.
5. از نظر دکارت یافتن مصداق های علت و معلول نیازمند تجربه و آموزش است.
6. هیوم تنها راه شناخت واقعیات را حس و تجربه می داند.
7. هیوم با اینکه فیلسوفی تجربه گراست اما درک رابطه علیت از طریق حس و تجربه را غیر ممکن می داند.
8. تداعی ذهنی از نظر هیوم به معنای امر روانی ناشی از توالی و پشت سر هم آمدن پدیده هاست.
9. دانشمندان علوم طبیعی به دلیل پذیرفتن اصل علیت دست به تجربه می زنند.
10. هر تلاش تجربی مبتنی بر قاعده علیت است.
11. فلاسفه مسلمان با استفاده از اصل امتناع اجتماع نقیضین اثبات می کنند که یک پدیده خود به خود به وجود نمی آید.
12. حالت یک معلول که ذاتاً ممکن الوجود است شبیه دو کفه ترازوست که در حالت تساوی هستند.
13. کشف علل امور طبیعی از طریق حس و تجربه صورت می گیرد.
14. فیلسوفان به جز تجربه گرایان اصل سنخیت را همانند اصل علیت یک اصل عقلی می دانند.
15. دانشمندان با تکیه بر اصل سنخیت تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند.
16. آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد علت است. معلول قطع نظر از علت امکان ذاتی دارد.
17. اصل علیت به وجود بخشی علت به معلول اشاره دارد / اصل سنخیت به تناسب و هماهنگی علت و معلول اشاره می کند. / اصل وجوب علی و معلولی بیانگر ضرورت بخشی علت به معلول است.

« درس چهارم: کدام تصویر از جهان »

1. نظر دموکریتوس درباره ماده اولیه تشکیل دهنده جهان و نحوه پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان را بنویسید. (خرداد 99)

به نظر او ماده اولیه تشکیل دهنده جهان اتم ها و ذرات ریز تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیمی هستند که در فضای غیر متناهی پراکنده بودند و بر خورد اتفاقی این ذرات سرگردان سبب پیدایش عناصر و اشیاء فعلی در جهان شده است.

2. نظریه مه بانگ (بیگ بنگ) را تعریف کنید.

بر اساس این نظریه جهان کنونی و میلیاردها کهکشان بر اثر یک انفجار بزرگ آغاز شده و به تدریج گسترش یافته است.

3. لازمه و نتیجه هر یک از اصول زیر چیست؟ (دی 98 / خرداد 99)

اصل علیت: ارتباط و پیوستگی میان هر شیء و منشأ آن

اصل وجوب بخشی علت به معلول: تخلف ناپذیری و حتمیت در نظام هستی

اصل سنخیت میان علت و معلول: نظم و قانونمندی های معین میان دسته های مختلف پدیده ها

4. چهار معنی « اتفاق » را ذکر کنید و با مثال توضیح دهید.

معنای اول: (نفی ضرورت و اصل وجوب بخشی علت به معلول) یعنی میان حوادث جهان و پدیده های آن هیچ رابطه ضروری نیست. برای مثال همه عوامل پیدایش باران وجود داشته باشد ولی باران نیارد.

معنای دوم: (نفی سنخیت علت و معلول) یعنی سنخیت و تناسبی میان اشیاء و آثار آن نیست و چه بسا پدیده ای ظاهر شود که هیچ ربطی به آن ندارد. مثلاً آفتاب سبب تاریکی شود یا یخ باعث حرارت و گرما بشود.

معنای سوم: (نفی غایتمندی حوادث جهان) به معنای نبودن غایت و هدف خاص در حرکات و نظم جهان

معنای چهارم: رخ دادن حوادث پیش بینی نشده. به طور مثال دیدن دوستی قدیمی در یک فروشگاه

5. انواع علت را نام برده و با مثال تعریف کنید.

علت تامه: هر گاه وجود تنها یک علت باعث پیدایش معلول شود آن علت را تامه می نامند برای مثال آفتاب علت روشنایی است.

علت ناقصه: در مواردی که یک معلول یا پدیده از مجموعه ای از عوامل و علت ها پدید می آید به هر یک از آن عوامل، علت ناقصه گفته می شود

برای مثال برای نوشتن روی کاغذ، وجود قلم، انسان، کاغذ و اراده انسان و .. برای نوشتن باید باشد هر یک از این عوامل علت ناقصه هستند و مجموعه عوامل علت تامه می باشند.

6. پذیرش اتفاق به معنی دوم (نفی سنخیت) چه تاثیری در اندیشه و سبک زندگی یک فرد دارد؟

(انکار اصل سنخیت چه آثار و نتایجی به دنبال دارد؟)

الف) پذیرش این معنای اتفاق نفی سنخیت و تناسب علت و معلول را به دنبال دارد، اگر کسی واقعا اصل سنخیت را انکار کند و پدید آمدن هر چیزی را از هر چیزی ممکن بداند به هیچ کاری دست نخواهد زد مثلا نمی تواند برای رفع تشنگی آب بنوشد زیرا رابطه ای میان آب و رفع تشنگی مشاهده نمی کند.

ب) علاوه بر این چنین فردی نمی تواند نظم و هماهنگی موجود در طبیعت را تبیین کند و حتی نمی تواند دانشمندان را به کشف علل طبیعی پدیده ها تشویق کند.

ج) در حقیقت انکار اصل سنخیت بی اعتباری و بی اعتنایی به همه علوم است و متناقض با هستی نظام مند و قانونمند است.

7. پذیرش اتفاق به معنی سوم یعنی نفی غایتمندی جهان چه تاثیری در تفکر و سبک زندگی یک فرد دارد؟

پذیرفتن این معنای اتفاق نفی علت نخستین جهان و آفریننده است زیرا غایتمندی جهان به این معناست که همه حوادث باهدف مشخص و از پیش تعیین شده رخ می دهد و قبول این غایتمندی فقط با پذیرش علت نخستین یا علت العلل (خداوند) امکان پذیر است. پس اگر کسی نظم و غایتمندی جهان را نپذیرد خدا را نپذیرفته است.

8. کدام دسته از فلاسفه اتفاق به معنای نفی غایتمندی را قبول ندارند؟ توضیح دهید (خرداد 99)

آن دسته از فلاسفه که برای جهان علت نخستین و آفریننده را اثبات می کنند معتقدند که این نوع اتفاق امکان پذیر نیست و همه حوادث جهان از ابتدا تا کنون در جهت یک هدف و غایت از پیش تعیین شده قرار دارند. یعنی این جهان به سوی کمال خود در حرکت است و مرحله به مرحله کامل تر می شود.

9. کدام دسته از فیلسوفان اتفاق به معنای نفی غایتمندی جهان را قبول دارند؟

گروهی از فیلسوفان که به خداوند و علت نخستین برای جهان معتقد نیستند غایتمندی زنجیره حوادث را نیز انکار می کنند و حتی وجود فرایندهای تکاملی در جهان را امری اتفاقی می دانند که از پیش تعیین شده نبوده است.

10. تنها معنای صحیح اتفاق کدام است؟ چرا؟ اتفاق به معنی چهارم یعنی رخ دادن حوادث پیش بینی نشده، زیرا با هیچ یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست بنابراین کاربرد درستی دارد و مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

11. آیا کسی وجود دارد که معنای اول اتفاق یعنی نفی ضرورت و وجوب بخشی علت به معلول را پذیرفته باشد؟ خیر هیچ فیلسوفی موافق این معنا نیست.

12. چراگاهی برخی از مردم گمان می کنند رابطه ضرورت میان علت و معلول برقرار نیست؟

زیرا آنان از تمام اجزای علت آگاه نیستند یعنی ممکن است علت ناقص باشد و مجموعه عوامل لازم برای پدید آمدن معلول کافی نباشد.

13. کدام گروه از فلاسفه اتفاق به معنای سوم یعنی نفی سنخیت را قبول ندارند؟ هیچ کدام از فلاسفه اسلامی از جمله ملاصدرا، طباطبایی و ابن سینا و برخی فیلسوفان اروپایی این معنا را قبول ندارند.

دیدگاه فلاسفه در مورد اتفاق به طور خلاصه

اتفاق به معنای اول (نفی ضرورت): هیچ کس موافق نیست.

اتفاق به معنای دوم (نفی سنخیت): فیلسوفان اسلامی و برخی فیلسوفان اروپایی مخالفند.

اتفاق به معنای سوم (نفی غایتمندی)

گروهی که به علت نخستین و خداوند معتقدند مخالف این معنا هستند.

گروهی که به خداوند و علت نخستین اعتقاد ندارند این اتفاق را قبول دارند.

اتفاق به معنای چهارم (رخ دادن حادثه پیش بینی نشده): همه فیلسوفان این معنا را قبول دارند.

14. اشعار زیر کدام یک از معانی اتفاق را رد می کنند؟

الف) گندم ز گندم بروید جو ز جو (نفی سنخیت)

ب) از جمادی مردم و نامی شدم وز نما مردم به حیوان برزدم (نفی غایتمندی)

نکات مهم درس

1. برخی از دانشمندان زیست شناس معتقدند بیشتر موجودات روی کره زمین به علت ناسازگاری با محیط از بین رفته اند و تنها آن دسته که به طور اتفاقی تغییرات بدنی شان با محیط سازگار بوده رشد کرده اند.

2. نظریه مه بانگ باعث شده برخی تصور کنند پیدایش این جهان اتفاقی و بدون یک علت وجود دهنده بوده است.

3. یکی از اقدامات موثر و مهم فیلسوفان دقت در مفاهیم عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن هاست.

4. مهم ترین کتاب فلسفی ابن سینا الهیات شفا نام دارد که در همین کتاب به مبحث اتفاق و شانسی نیز پرداخته است.

5. اگر برای مثال کسی معتقد باشد با وجود تمام عوامل پیدایش باران، باران نمی بارد اصل وجوب بخشی یا ضرورت علت به معلول را انکار کرده است.

6. اگر کسی بگوید حرارت سبب یخ بستن آب می شود اصل سنخیت را انکار کرده است.

7. انکار اصل سنخیت بی اعتباری و بی اعتنایی به همه علوم را به دنبال دارد.

8. علت العلل یا علت بالذات همان خداوند است.

9. تنها کاربرد و معنای صحیح اتفاق معنی چهارم آن یعنی رخ دادن حوادث پیش بینی نشده است.

10. اگر کسی بگوید در برخی موارد در عین وجود علت تامه ، معلول بوجود نمی آید اتفاق به معنای نفی ضرورت را پذیرفته است.

پایان درس چهارم

« درس پنجم: خدا در فلسفه (1) »

1. جامعه ی یونان که فیلسوفان بزرگ از جمله سقراط و افلاطون و ارسطو در آن زندگی می کردند از نظر اعتقادات دینی در چه شرایط و وضعیتی قرار داشت؟

مردم به خدایان متعدد اعتقاد داشتند و هر کدام را مبدأ و منشأ یک حقیقت در جهان می دانستند.

اعتقاد به این خدایان که تعدادشان به ده ها مورد می رسید چنان محکم و ریشه دار بود که انکار آن ها ، طرد از جامعه یونان و گاه از دست دادن جان را به دنبال داشت. حاکمان و بزرگان جامعه یونان اجازه نمی دادند که کسی با اندیشه شرک آلودشان مخالفت و به خدایان توهین کند.

2. برخی از خدایان یونان باستان را نام ببرید.

ژئوس (خدای آسمان و باران) آپولون (خدای خورشید و هنر) آرتیمیس (خدای عفت و خویشتن داری)

3. اتهام اصلی سقراط در دادگاه که منجر به اعدام او شد چه بود؟

او خدایانی را که همه به آن ها معتقدند انکار می کند و از خدایی جدید سخن می گوید.

4. عقیده ی افلاطون در مورد خدا چیست؟

خدا نزد افلاطون یک خدای معین با ویژگی های روشن است و کار او هدفدار است.

5. از نظر افلاطون چرا چند خدایی شکل دیگر از کفر و بی خدایی است؟

زیرا در چند خدایی خلقت آگاهانه معنا ندارد، چند خدایی یا همان شرک نمی تواند نظم حکیمانه جهان را تبیین کند چون چند خدایی ها عقیده داشتند که میان خدایان اختلاف و جنگ رخ می دهد و هر کدام می خواهد بر دیگران چیره شود لذا این اعتقاد تفاوت چندانی با بی خدایی ندارد.

6. افلاطون خداوند را چگونه توصیف می کند؟ (خدا نزد افلاطون دارای چه صفاتی است؟)

در سوی دیگر نوعی از هستی وجود دارد که پیوسته ثابت است ، نه می زاید و نه از میان می رود و نه چیز دیگری را به خود راه می دهد و نه خود در چیزی دیگر فرو می شود ، او نه دیدنی است و نه از طریق حواس دریافتنی است. فقط با تفکر و تعقل می توان به او دست یافت و از او بهره مند شد.

7. افلاطون گاهی از خداوند با دو عنوان یاد می کند آن دو عنوان کدامند و منظور چیست؟

الف) مثال خیر: همه چیز در پرتو خداوند دارای حقیقت می شوند و همان طور که روشنایی شبیه خورشید است اما خود خورشید نیست حقایق نیز شبیه به مثال خیر هستند نه خود آن.

ب) خالق و آفریننده عالم: یگانه سخنی که درباره نظم و گردش آفتاب و ماه و ستارگان می توان گفت این است که کل جهان زیر فرمان عقل قرار دارد. (بیان اولیه و ساده برهان نظم)

8. ارسطو برای اثبات وجود خدا از چند برهان و استدلال استفاده می کند؟ هر یک را توضیح دهید.

الف) برهان خوبترین و بهترین موجود: در میان موجودات برخی خوبتر و بهتر از برخی دیگرند، هر جا که یک

خوبتر و بهتر هست خوبترین و بهترین نیز هست پس حقیقتی هم که خوبترین و بهترین است وجود دارد که از همه برتر است و این همان واقعیت الهی است. (شهریور 99)

ب) برهان نظم: نمی شود که یک نظم و انتظام بر جهان حاکم باشد بدون اینکه موجودی جاویدان و برتر از ماده در کار نباشد. (شهریور 99)

ج) برهان حرکت: وجود حرکت در عالم نیازمند یک محرک است که خود آن محرک حرکت نداشته باشد زیرا اگر آن نیز حرکت داشته باشد نیازمند یک محرک دیگر است و آن محرک دوم نیز نیازمند محرک سوم است و سلسله محرک ها تا بی نهایت جلو خواهد رفت و چنین تسلسلی عقلاً محال است.
(پس محرک اصلی و اول همان خداوند است که نیاز به هیچ محرکی ندارد و ثابت است.)

9. در دوره جدید اروپا کدام جریان ها و مکاتب فلسفی شکل گرفتند ؟ برای هر گروه فیلسوفانی مثال بزنید.

جریان عقل گرایان مانند کانت و دکارت / جریان حسی گرایان و تجربه گرایان مانند هیوم

10. استدلال دکارت برای اثبات وجود خدا را بیان کنید.

الف) من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر که من و همه چیز را آفریده تصوری دارم.

ب) این تصور نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم.

ج) پس وجودی نامتناهی یعنی خداوند این ادراک و تصور را به من داده است.

11. به نظر هیوم کدام دلایل برای اثبات وجود خدا مردودند ؟ چرا؟

دلایلی که صرفاً متکی بر عقل باشند. زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.

12. از نظر هیوم مهم ترین برهان فیلسوفان الهی برای اثبات وجود خدا کدام است؟ دلیل ناتوانی این برهان برای اثبات یک وجود ازلی و ابدی نامتناهی چیست؟ (خرداد 99)

برهان نظم. زیرا این برهان فقط می تواند ثابت کند که یک ناظم و مدبر این جهان را اداره می کند اما ثابت نمی کند که این ناظم خالق ، همان خداوندی است که نیازمند به علت نیست و واجب الوجود است.

13. استدلال کانت برای اثبات وجود خدا را به طور خلاصه بیان کنید.

او می گوید انسان دارای اصول اخلاقی و مسئولیت پذیری است و رعایت اخلاق تنها با اختیار و اراده انسان ممکن است. اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد بلکه باید ویژگی نفسی غیر مادی و جاودان باشد که روح نام دارد. این روح و نفس مجرد چون موجودی جاودانه و غیر مادی است برای سعادت دائمی خود به جهانی فراتر از دنیای مادی نیاز دارد و چنین جهانی نیز مشروط به وجود خدایی جاودان و نامتناهی است که رفتار او را زیر نظر دارد بنابراین قبول خداوند پشتوانه رعایت اصول اخلاقی است.

14. رشد تفکر حسی و حس گرایی و ظهور فیلسوفانی که انسان و جهان را مادی می دانستند چه تاثیری در جامعه اروپایی به جای گذاشت؟ پایه های اعتقاد به خدا را در جامعه اروپایی سست کرد و زندگی مردم را تحت تاثیر قرار داد بدین صورت که معنا و مقصود زندگی در میان بخشی از جامعه اهداف مادی محدود شد و زندگی بسیاری از مردم فاقد معنا و ارزش های متعالی گردید و بحران معنا داری زندگی پدید آمد.

15. سه فیلسوف اروپایی را که از تجربه های درونی و عشق و عرفان برای اثبات وجود خدا استفاده کرده اند نام ببرید. (شهریور 99)

ویلیام جیمز / برگسون / کرکگور

16. ایمان را از نظر کرکگور تعریف کنید. ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند، خدا انسان مومن را بر می گزیند و به او ایمان هدیه می کند و اگر کسی شایسته این بخشش (ایمان) نشود زندگی تاریکی را سپری خواهد کرد.

17. بحران معنا داری زندگی در قرن بیست و یکم چه تغییری در نگرش فیلسوفان به وجود آورد؟

فیلسوفانی ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا می کوشیدند به جای ذکر دلایل اثبات وجود او به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی توجه کنند و نشان دهند که زندگی بدون اعتقاد به خدایی که مبدا خیر و زیبایی و ناظر بر انسان باشد دچار خلأ معنایی و پوچی آزار دهنده ای خواهد شد.

18. زندگی معنا دار را تعریف کنید. زندگی است که دارای غایت و هدف و سرشار از ارزش های اخلاقی است و انسان را نسبت به آینده اش مطمئن می کند و آرامشی برتر به او می دهد.

19. از دیدگاه کاتینگهام قبول خداوند چه تاثیری بر نگرش و زندگی انسان خواهد داشت؟ زندگی انسان را با ارزش و با اهمیت می سازد و این امید را به ما می دهد به جای اینکه احساس کنیم در جهان بیگانه ای افتاده ایم که هیچ چیز در نهایت اهمیت ندارد می توانیم مأمون و پناهگاهی به نام خدا بیابیم.

20. کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است (خرداد و شهریور 99 / دی 98)

1. دکارت می گوید تصور من از حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر نمی تواند از خودم باشد زیرا من موجودی متناهی هستم (ص)

2. از نظر کانت، اختیار و اراده نمی تواند ویژگی بدن مادی باشد. (ص)

3. به نظر تیلور، افلاطون ابداع کننده ی خداشناسی فلسفی است. (ص)

4. ارسطو می گوید بدون موجودی جاودان و برتر از ماده، وجود نظم و انتظام در جهان محال است (ص)

21. هر یک از عبارت های زیر عقیده کدام فیلسوف است؟ (امتحان نهایی 98 و 99)

1. از سوئی دیگر نوعی از هستی است که نه می زاید و نه از میان می رود. (افلاطون)

2. ایمان هدیه ای الهی است که خداوند به انسان عطا می کند. (کرکگور)

3. دلایل اثبات وجود خداوند که صرفاً متکی بر عقل باشند مردودند. (هیوم)

4. دلیل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است. (ویلیام جیمز)

5. پذیرش خداوند زندگی ما را با اهمیت و با ارزش و معنا دار می سازد. (کاتینگهام)

6. اختیار و اراده نمی تواند از ویژگی های بدن مادی باشد. (کانت)

22. عقاید و استدلال های فیلسوفان زیر در مورد خدا را به طور خلاصه بیان کنید.

افلاطون: یک خدا با ویژگی های روشن وجود دارد. خداوند مثال خیر و خالق عالم است.

ارسطو: خداوند خوبترین و بهترین موجود است، محرک اولیه و اصلی است و ناظم این جهان است که موجودی جاودان و برتر از ماده است.

دکارت: خداوند حقیقتی نامتناهی و علیم و قدیر است که قدرت تصور و ادراک را به ما داده است.

هیوم: دلایل فیلسوفان برای اثبات خدا را رد می کند و معتقد است یا خدایی وجود ندارد یا نمی توان اثبات کرد.

کانت: او وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات کرد.

ویلیام جیمز: دلایل وجود خداوند عمدتاً در تجربه های شخصی درونی ما نهفته است.

کرکگور: ایمان هدیه ای الهی است که خدا به انسان مومن عطا می کند و بدون ایمان زندگی تاریک است.

کاتینگهام: قبول خداوند زندگی ما را با ارزش و با اهمیت می سازد و خداوند مامن و پناهگاه انسان است.

نکات مهم درس

1. اندیشه درباره خدا یک اندیشه دیرین در تمام جوامع بشری بوده است.
2. افلاطون در فضای شرک آلود یونان تصمیم گرفت با دقتی فلسفی و استدلالی درباره خدا صحبت کند و پندارها را اصلاح نماید.
3. به نظر تیلور، افلاطون ابداع کننده خداشناسی فلسفی است.
4. برهان مشهور ارسطو برای اثبات خدا برهان حرکت نام دارد.
5. کانت ضرورت وجود خدا را از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی اثبات می کند.
6. به نظر کانت اختیار و اراده از ویژگی نفس مجرد یا روح است نه بدن مادی.
7. کانت معتقد است سعادت روح در کسب فضیلت و رعایت اصول اخلاقی است.
8. کاتینگهام می گوید در قرن جدید برخی فیلسوفان به این سمت رفتند که خدا را عامل اصلی معنا بخشی به زندگی معرفی کنند.
9. از نظر هیوم مهم ترین برهان فیلسوفان الهی برای اثبات خدا برهان نظم است و این برهان کافی نیست
10. ارسطو که از قدرت منطقی و استدلالی قوی برخوردار بود کوشید قدم های اولیه را برای اثبات خدا با برهان ها و استدلال هایش بردارد..
11. در قرن جدید بحران معنا داری زندگی موجب شد فلاسفه به جای اثبات خدا به رابطه میان اعتقاد به خدا و معنا داری زندگی توجه کنند.
12. کانت و دکارت تلاش کردند پایه های عقلی اعتقاد به خدا را استوار سازند.
13. فیلسوفان تجربه گرا به جز هیوم برهان نظم را معتبر دانسته و به خدا معتقد بودند.
14. افلاطون می گوید: کل این جهان زیر فرمان عقل قرار دارد.
15. به عقیده افلاطون از طریق حواس نمی توان خدا را دریافت، فقط با تفکر و تعقل می توان او را دریافت.

پایان درس پنجم

« درس ششم : خدا در فلسفه (2) »

1. بیان و استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا را شرح دهید. (نهایی دی 99)

در جهان اطراف ما موجودات تماماً معلول هستند یعنی وجودشان وابسته به علت است. وجود علت مقدم بر معلول است یعنی وجود معلول مشروط به علت است. اگر در میان تمام موجودات جهان، علت غیر مشروطی نباشد تسلسل بی نهایت خواهد بود که محال است.

2. منظور از تسلسل علل نامتناهی چیست؟ یعنی سلسله علت ها تا بی نهایت پیش برود و به علتی ختم نشود که معلول دیگری نباشد و وجودش از خودش باشد.

3. برهان وجوب و امکان ابن سینا (در مورد اثبات خدا) را شرح دهید. (شهریور 99)

الف) وقتی به موجودات جهان نگاه می کنیم می بینیم که این موجودات در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی هستند یعنی ذاتاً ممکن الوجودند.

ب) ممکن الوجود بالذات برای خروج از حالت تساوی نیازمند واجب الوجود بالذات است.

ج) پس موجودات این جهان به واجب الوجود بالذاتی وابسته اند که آن ها را از حالت امکانی خارج کرده و پدید آورده است.

4. از نظر ابن سینا واجب الوجود چند نوع است؟

واجب الوجود بالذات (خداوند) واجب الوجود بالغير (اشیاء و موجودات عالم)

5. واجب الوجود بالذات را تعریف کنید (شهریور 99)

همان ذاتی است که وجود برایش ضرورت دارد و این ضرورت از ناحیه خود آن ذات است نه از ناحیه یک امر بیرونی.

6. پیام اصلی ابن سینا و پیروانش درباره ی وجود و منشأ موجودات جهان را بنویسید؟

موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند واجب الوجود بالغيرند یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.

7. نظریه امکان فقری یا فقر وجودی را کدام فیلسوف مسلمان مطرح نموده است؟ آن را شرح دهید

ملاصدرا، اگر به واقعیات و موجودات نگاه کنیم می بینیم که عین وابستگی و نیازند او این وابستگی را فقر وجودی یا امکان فقری نامید، موجود وابسته و نیازمند باید به وجودی متصل باشد که در ذات خود

بی نیاز و برخوردار باشد پس موجودات این جهان وابسته به وجودی بی نیاز و غیر وابسته هستند که همان خداوند است. (خرداد و شهریور 99).

8. از نظر ملا صدرا وجود چند نوع است؟

وجود بی نیاز و غیر وابسته (خداوند) وجودهای نیازمند و وابسته (همه واقعیات و موجودات)

9. پیام اصلی و نتیجه نظریه امکان فقری یا فقر وجودی چیست؟ بر اساس این نظریه جهان هستی یکپارچه نیاز و تعلق به ذات الهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد. اگر خداوند لحظه ای پرتو عنایت خود را باز گیرد کل موجودات نابود گشته و نور آن ها خاموش می شود.

10. چند مورد از معیارهای یک زندگی معنادار از نظر فلاسفه مسلمان را بنویسید. (نهایی 98 و 99)

(شاخصه های فلسفی یک زندگی معنا دار را بنویسید)

1. جهان را غایتمند بیابد و این غایتمندی را توضیح دهد
2. انسان را موجودی هدفمند بشناسد و این هدف را مشخص کند.
3. برای انسان گرایشی به خیر و زیبایی قائل شود.
4. آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست بداند.
5. در برابر یک وجود متعالی و برتر احساس تعهد و مسئولیت داشته باشد.

11. تعریف عشق را از دیدگاه ابن سینا بنویسید (خرداد 99)

هر یک از ممکنات به واسطه حقیقت وجودش، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب فطرت خود از بدی ها گریزان است. همین اشتیاق و ذوق فطری را که سبب بقای ممکنات و مخلوقات است عشق می نامیم.

12. کدام عبارت درست و کدام نادرست است؟ (خرداد 99)

1. از نظر ابن سینا، بی نهایت شدن تعداد اشیاء جهان، نیاز آن ها را به واجب الوجود بالذات برطرف نمی سازد. (ص)

2. به عقیده فیلسوفان مسلمان اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است. (ص)

3. وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود علت مشروط به وجود معلول است (غ)

13. اشعار زیر در بر دارنده چه پیامهایی هستند و کدام نظریه را تایید می کنند؟

الف) بود نامحرمان را چشم و دل کور وگرنه هیچ ذره نیست بی نور

که تا دانی در هر ذره ی خاک یکی نور است تابان گشته زان پاک

پیام: سراسر جهان هستی تعلق و نیاز به ذات خداوند دارند و خود هیچ استقلالی ندارد و بدون او همه نابود و خاموش می شوند.

(نظریه فقر وجودی ملاصدرا)

ب) فلک جز عشق محرابی ندارد جهان بی خاک عشق آبی ندارد

گر اندیشه کنی از راه بینش به عشق است ایستاده آفرینش

پیام: عشق و محبت به خیر و زیبایی اختصاص به انسان ندارد و هر موجودی در این جهان بهره مند از عشق الهی است و اوست که چنین عشقی را در ذات جهان هستی به ودیعت نهاده است.

(موبد و مرتبط با تعریف عشق از دیدگاه ابن سینا)

14. فیلسوفان مسلمان وجود خدا و تاثیر آن در حیات انسانی را در مقام مثال به چه چیزی تشبیه

می کنند؟ توضیح دهید.

شبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی دانسته اند آنان می گویند بشر از طریق حواس به وجود آب پی می برد و آن را واقعی می یابد و از آن می نوشد و سیراب می شود. موضوع خدا نیز این گونه است ابتدا باید وجود خدا را از طریق عقل و تفکر و اندیشه پذیرفت و سپس با او ارتباط معنوی برقرار کرد و یک زندگی معنادار و متعالی را سامان داد.

نکات مهم درس

1. سخن و بحث فیلسوف تا زمانی فلسفی است که از روش فلسفه یعنی استدلال عقلی استفاده کند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلالی عرضه کند.
2. فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد بلکه کسی است که بر اساس قواعد فلسفی عقیده ای را بپذیرد و با قواعد فلسفی از عقیده اش دفاع کند.
3. فیلسوف معتقد به خدا از طریق استدلال به او اعتقاد پیدا کرده و از او دفاع می کند.
4. به نظر فیلسوفان مسلمان اثبات وجود خدا از طریق استدلال عقلی امکان پذیر است.
5. فارابی می گوید: معلول بودن هر موجود و نیاز آن به علت مانند متکی بودن هر آجر به آجر دیگر است و علت همان ستونی است که نگهدارنده ی همه آجر هاست.
6. از نظر فارابی در ابتدای سلسله علت ها و معلول ها ، علتی وجود دارد که وابسته به دیگری نیست یعنی خودش واجب الوجود و علة العلل است.
7. وجود علت مقدم بر وجود معلول است و وجود معلول مشروط بر وجود علت است.
8. فارابی از برهان علیت (علت و معلول) برای اثبات خدا استفاده کرد.
9. ابن سینا از برهان وجوب و امکان برای اثبات وجود خدا بهره برد.
10. ابن سینا می گوید: موجودات جهان بر حسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند واجب الوجود بالغیر هستند یعنی از واجب الوجود بالذات نشئت گرفته اند.
11. توماس آکوئیناس که در بحث مغایرت وجود و ماهیت از ابن سینا تبعیت می کرد برهان وجوب و امکان را نیز در اروپا گسترش داد.
12. در جهان اسلام فلاسفه ای مانند بهمنیار، خواجه نصیر طوسی ، میرداماد و شیخ بهایی از برهان وجوب و امکان ابن سینا استفاده کردند.
13. ملاصدرا و صدرائیان برهان وجوب و امکان ابن سینا را ارتقا بخشیده و از بیان قوی تری بهره بردند.

14. ملاصدرا ملقب و مشهور به صدر المتالیهین است. او از برهان فقر وجودی یا امکان فقری برای اثبات خدا استفاده کرد.
15. فلاسفه مسلمان می گویند اعتقاد داشتن به خداوند در صورتی باعث معنا بخشی به زندگی می شود که انسان واقعا از یک راه درست و معقول خدا را پذیرفته باشد.
16. ابن سینا عشق را سبب بقای ممکنات و مخلوقات می داند.
17. پذیرش هر کس نسبت به خداوند به اندازه قدرت علمی و فکری اوست.
18. ابن سینا می گوید: هر موجودی در این جهان بهره مند از جاذبه عشق الهی است.
19. ابن سینا از امکان ماهوی موجود، به واجب بالغیر بودن موجودات می رسد.
20. ملا صدرا از امکان فقری موجود، واجب بالغیر بودن موجودات را اثبات می کند.
21. اعتقاد به خدایی می تواند به زندگی معنا دهد که به کمک عقل و منطق وجودش را پذیرفته باشیم و در ارتباط روحی یا معنوی با او زندگی کنیم. (نهایی دی 98)

پایان درس ششم

مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار

« درس هفتم: عقل در فلسفه (1) »

1. کاربردهای عقل در فلسفه را بنویسید. (نهایی شهریور و دی 99)
الف) عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال / ب) عقل به عنوان یک موجود متعالی و برتر و از ماده
2. عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال چه کاربردی دارد؟ توضیح دهید
انسان با کمک عقل خود استدلال می کند و از این طریق به دانش ها و حقایق دست می یابد و می تواند هستی را از نیستی، خوب را از بد و درست را از نادرست و حق را از باطل تشخیص دهد. همچنین با کمک عقل می توان دین و آیین درست را انتخاب کرد و در علوم و دانش های مختلف به پیشرفت رسید و از وقت و فرصت ها بهتر بهره برد.
3. آیا همه افراد از قدرت عقلی یکسانی برخوردارند؟ چگونه می توان توانمندی های عقلی را تقویت کرد؟
خیر، توانمندی های عقلی در کودک به صورت یک استعداد وجود دارد که با تربیت و تمرین به شکوفایی و فعلیت می رسد و تقویت می شود به همین سبب در افراد مختلف این توانایی ها متفاوت است و برخی انسان ها قدرت عقلی بیشتر و بعضی قدرت کمتری دارند.
4. عالم عقول را تعریف کنید. بسیاری از فلاسفه معتقدند که علاوه بر عالم طبیعت، عوالم و موجودات دیگری هم وجود دارند که با حواس ظاهری نمی توان آن ها را درک کرد و حقیقت وجودشان مجرد از ماده است. یکی از این عوالم عالم عقل یا عقول است.
5. ویژگی های عالم عقول و موجودات عقلانی را بنویسید. این موجودات از جسم و ماده مجردند و در قید زمان و مکان نیستند و در افعال خود نیاز به ابزار مادی ندارند و حقایق اشیا را از طریق شهود درک می کنند و به مفاهیم و استدلال نیاز ندارند.
6. موجودات و فرشتگان در عالم عقول از چه طریقی علم و حقیقت را درک می کنند؟
علم این موجودات از طریق استدلال و کنار هم گذاشتن مفاهیم نیست بلکه عقول یا فرشتگان حقایق اشیا را شهود می کنند و به مفاهیم و استدلال مفهومی نیازی ندارند.
7. از نظر فیلسوفان آیا روح انسان استعداد و توانایی رسیدن به عالم عقول و شهود حقایق را دارد؟ چگونه؟
بله. روح هر انسانی می تواند با تهذیب و تزکیه نفس به مرتبه ای برسد که کاملاً از جسم و ماده مجرد باشد و در عین حال که از قوه استدلال برخوردار است همچون فرشتگان بسیاری از حقایق را شهود کند.
8. عقل و خرد در نزد حکمای ایران قدیم از چه جایگاهی برخوردار بود؟ توضیح دهید.
یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خرد ورزی ایران باستان است که اندیشمندان آن به خرد ورزی و فرزاندگی شهرت داشتند. آنان از وجود عقل به عنوان یک وجود متعالی و برتر آگاه بوده اند و به عقل به عنوان تعقل و خرد ورزی اهمیت می داده اند. در اندیشه حکمای ایران قدیم خرد با وجود آفریدگار، متحد و یگانه است و آفریدگار، کل جهان و موجودات را بر اساس خرد آفریده و با خرد و عقل خود آن ها را رهبری می کند.
9. کدام فیلسوف یونان باستان از حقیقتی به نام لوگوس سخن گفته ؟ معنای آن را در نزد وی شرح دهید.

هراکلیتوس، لوگوس در نزد او هم به معنای عقل به عنوان حقیقت متعالی است و هم به معنای نطق و سخن و کلمه. کلمه و سخن نزد او ظهور و پرتو عقل هستند و عقل همان حقیقتی است که هم جهان و اشیاء ظهور او هستند و هم کلمات و سخن و به نظر او اشیاء عالم همان کلمات عقل و بیان حکمت و علم او هستند (خرداد 99)

10. ارسطو قوه ی عقل را بر اساس کاربرد به چند دسته تقسیم کرد؟ عقل نظری / عقل عملی

11. مقصود ارسطو از عقل نظری و عقل عملی چیست؟ مثال بزنید

عقل از آن جهت که درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آن ها بحث می کند مانند بحث درباره خدا، کهکشان و درجه حرارت عقل نظری نامیده می شود.

عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او بحث می کند مانند انسان نباید ظلم کند، انسان باید راست بگوید عقل عملی نامیده می شود.

12. ارسطو بر اساس عقل علم و دانش را به چند دسته تقسیم میکند؟ هر یک را تعریف کنید (نهایی دی 99)

علم نظری: دانشی که توسط عقل نظری به دست می آید.

علم عملی: علم و دانشی که از عقل عملی به دست می آید.

13. ارسطو چه تعریفی از انسان ارائه می کند؟ مقصود او چیست؟ او انسان را با مفهوم حیوان ناطق تعریف می کند که منظور از نطق همان عقل و تفکر است. او عقل را ذاتی انسان می دانست.

14. ارسطو استدلال را به چند دسته تقسیم کرد و آن ها را در کدام آثار خود تدوین نمود؟

استدلال تجربی و استدلال عقلی محض. او آنها را در بخش منطق آثار خود تدوین نمود.

15. در دوره جدید اروپا و عصر رنسانس عقل چه جایگاهی در اروپا و نزد فلاسفه داشت؟

در این دوره عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و یگانه معیار و مرجع درستی و نادرستی افکار و عقاید تلقی می شد. عقل جای دین را گرفت و دین را در گوشه ای از زندگی انسان های اروپایی به حاشیه راند.

16. توجه فلاسفه مسیحی در دوره دوم حاکمیت کلیسا (قرن دهم تا سیزدهم میلادی) به تبیین مسائل دینی با روش عقلانی چه نتیجه مهمی به دنبال داشت؟ (نهایی دی 99) این توجه عقلی به مسائل دینی چون با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت منجر به گسترش عقل گرایی و عقب نشینی تفکر دینی در مقابل عقل شد و در رنسانس سبب شد تا عقل جای دین را بگیرد و دین را در حاشیه قرار دهد.

17. در دوره اول حاکمیت کلیسا در اروپا (قرن سوم تا نهم میلادی) عقل چه جایگاهی داشت؟ توضیح دهید.

(نهایی شهریور 99) / در این دوره بزرگسان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان

می دانستند و حتی برخی عقل را امری شیطانی می پنداشتند و در برابر استدلال های عقلی می ایستادند. در نظر آنان ایمان قوی از آن کسی بود که در برابر شبهه های عقل بایستد و بر ایمان خود استوار بماند.

18. به چه دلیل در دوره دوم حاکمیت کلیسا حکمای مسیحی به تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند و نتیجه آن چه بود؟ (نهایی خرداد 99) آنان تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان

مسلمان که به زبان های اروپایی ترجمه شده بود به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند اما چون این توجه با مبانی اولیه کلیسای کاتولیک سازگاری نداشت منجر به حاکمیت عقل در مقابل دین شد.

19. نظر و دیدگاه دکارت را درباره کارکرد و جایگاه عقل شرح دهید. او به همه توانایی های عقل مانند بدیهیات عقلی و استدلال های عقلی محض توجه داشت و معتقد بود که عقل می تواند وجود خدا و نفس مجرد انسان و اختیار او را اثبات کند. البته او به عقل به عنوان یک حقیقت برتر و متعالی در جهان و انسان عقیده ای نداشت و عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال می دانست.

20. از نظر اوگوست کنت، عقل انسان چه زمانی می تواند به واقعیت و علم دست یابد؟

وقتی عقل با روش حسی و تجربی وارد عمل شود و فقط از طریق علم تجربی می توان به شناخت واقعیت رسید.

21. محدوده عملیات عقل را نزد فیلسوفان زیر بیان کنید.

ارسطو: عقل به دو دسته عقل نظری و عملی تقسیم می شود. عقل قوه استدلال و ذاتی انسان است.

بزرگان اولیه کلیسا: عقل عامل تضعیف ایمان و امری شیطانی و مخالف دین است.

فرانسیس بیکن: بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر روش تجربی است نه روش عقلی.

دکارت: عقل صرفاً یک دستگاه استدلال است و می تواند وجود خدا، نفس مجرد و اختیار انسان را اثبات کند.

اوگوست کنت: عقل فقط از طریق علم و روش تجربی می تواند به شناخت واقعیات برسد.

22. تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام یک غلط است (نهایی 98 و 99)

1. در اندیشه حکمای ایران قدیم، مزدا همان خداوند است (ص)

2. از نظر هراکلیتوس، اشیای عالم همان کلمات عقل هستند که حقیقت برتر است. (ص)

3. هراکلیتوس معتقد به حقیقتی به نام لوگوس بود که به معنای عقل و نطق می باشد. (ص)

نکات مهم درس

1. مفهوم دین ما را به یاد ایمان می اندازد. مفهوم عرفان، شهود و عشق را تداعی می کند و مفهوم فلسفه با عقل و عقلانیت گره خورده است.

2. فیلسوفان مهم ترین مدافعان عقل هستند. آنان وجه تمایز انسان از حیوان را عقل می دانند و معتقدند منظور ارسطو از حیوان ناطق همان عاقل است.

3. کاربرد رایج عقل بین مردم به عنوان دستگاه تفکر و استدلال است.

4. از نظر فیلسوفان توانایی و قدرت عقلی در کودک به صورت استعداد بالقوه وجود دارد و با تمرین و تربیت به شکوفایی و فعلیت می رسد.

5. استفاده عقل در فلسفه بیشتر از سایر دانش هاست زیرا فلسفه با استدلال های عقلی محض سر و کار دارد.

6. فیلسوفان الهی معتقدند فرشتگان از عالم عقول هستند و حقایق را از طریق شهود دریافت می کنند.

7. به عقیده فیلسوفان مسلمان روح انسانی با تهذیب نفس قادر است همچون فرشتگان حقایق را شهود کند.
8. یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خرد ورزی ایران باستان است و گزارش هایی مانند شاهنامه فردوسی حکایت از توجه و اهمیت عقل در آن دوره دارد.
9. حکیمان ایران باستان خدا را مزدا می نامیدند و معتقد بودند که خدا بر اساس خرد می آفریند.
10. هراکلیتوس از حقیقتی به نام لوگوس سخن می گفت که به معنای عقل به عنوان حقیقت متعالی و به معنای نطق و سخن و کلمه است.
11. از نظر هراکلیتوس کلمه و سخن و جهان و اشیاء ظهور و پرتو عقل متعالی و برتر هستند و اشیای عالم همان کلمات عقل برتر و بیان علم و حکمت او هستند.
12. ارسطو عقل را بر اساس کاربرد و کاری که انجام می دهد به دو دسته نظری و عملی تقسیم کرد و بر همین اساس دانش بشر را هم بر دو قسم می دانست: دانش نظری و دانش عملی.
13. عقل از آن جهت که درباره رفتارهای اختیاری انسان و باید ها و نبایدها بحث می کند عقل عملی است.
14. عقل از آن جهت که در باره اشیاء و موجودات و چگونگی آن ها بحث می کند عقل نظری نامیده می شود.
15. ارسطو اقسام استدلال های تجربی و عقلی محض را در بخش منطق آثار خود تدوین کرد.
16. ارسطو انسان را با مفهوم حیوان ناطق تعریف کرد که در آن مقصود از نطق همان تفکر و عقل است. وی عقل را ذاتی انسان می دانست.
17. در عصر رنسانس و دوره جدید اروپا عقل جایگاه ممتازی پیدا کرد و تنها معیار تشخیص درستی یا نادرستی افکار و عقاید شد. همچنین در این زمان عقل جای دین را گرفت و دین در حاشیه قرار گرفت.
18. در دوره اول حاکمیت کلیسا بزرگان کلیسا عقل را عامل تضعیف ایمان و امری شیطانی می پنداشتند و معتقد بودند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر چون و چراهای عقل بایستد.
19. در دوره دوم حاکمیت کلیسا، فیلسوفان و حکیمان مسیحی تحت تاثیر مطالعه کتاب های ابن سینا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان به عقل و تبیین عقلانی مسائل دینی روی آوردند.
20. در ابتدای دوره رنسانس فلاسفه اروپایی به دو دسته عقل گرا و تجربه گرا تقسیم شدند.
21. فرانسویس بیکن روش تجربی را بهترین روش برای پیشرفت زندگی بشر می دانست .
22. دکارت عقل را صرفاً یک دستگاه استدلال به حساب می آورد که توانایی اثبات خدا و نفس مجرد دارد و به عقل به عنوان یک حقیقت متعالی و برتر اعتقادی نداشت.
23. اوگوست کنت به طور کلی عقل فلسفی و کار عقل در تاسیس فلسفه را کاملاً ذهنی خواند و معتقد بود که نگاه فیلسوفان به جهان و هستی ناظر بر واقعیت نیست بلکه ساخته ذهن انسان و تاملات ذهنی است.
24. از نظر اوگوست کنت عقل فقط از طریق علم و روش تجربی می تواند به شناخت واقعیت و علم نائل شود.

پایان درس هفتم

« درس هشتم: عقل در فلسفه (2) »

1. در تاریخ تمدن اسلامی عقل و علوم عقلی از چه جایگاهی برخوردار بود؟ در این تمدن علوم عقلی و به خصوص فلسفه گسترش فراوان و چشمگیری داشته است و فیلسوفانی ظهور کردند که شهرت جهانی داشته و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ شمرده می شوند. عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورد و همواره از عقل تجلیل می شد.

2. عامل اصلی توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چه بود و چه نتیجه ای به دنبال داشت؟ یکی از این عوامل مهم پیام الهی (قرآن) و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود. از این رو عقل در میان مسلمانان جایگاه ممتازی بدست آورد و این جایگاه ممتاز سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد و عموم شاخه های دانش از جمله فلسفه رشد فوق العاده ای کرد.

3. مخالفت با عقل در جهان اسلام در چه قالب ها و اشکالی صورت می گرفت؟

1. تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کار آمدی عقل در عین پذیرش آن

2. مخالفت با فلسفه و منطق تحت عنوان دستاوری یونانی و غیر اسلامی

3. یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام، مخالفت با فلسفه بود. دلیل این مخالفان چه بود؟

(نهایی دی 99) / آن ها می گفتند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و در بردارنده ی عقاید کسانی مانند سقراط، افلاطون و ارسطو است و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست.

4. فیلسوفان مسلمان به کسانی که با فلسفه به دلیل یونانی بودن و عدم سازگاری با عقاید اسلامی مخالفت می کنند چه پاسخی می دهند؟ (سه دلیل بیاورید) (نهایی خرداد 99)

اولا بسیاری از آرای فیلسوفانی مانند سقراط و افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد.

دوما فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود.

سوما دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست بلکه به معنای بحث استدلالی در باره حقیقت اشیاست و در درستی یا نادرستی یک دانش، عقل و استدلال قضاوت می کند نه نژاد و قومیت یک اندیشمند.

5. یکی از اشکال مخالفت با عقل در جهان اسلام تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کار آمدی عقل بود دلیل این مخالفان را بنویسید.

زیرا آنان معتقد بودند برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربرد ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند مرتکب خطا شده و به دین آسیب وارد می کنند.

6. دو مصداق و کاربرد عقل نزد فلاسفه مسلمان را بنویسید. (نهایی دی 98)

1. عقل به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی 2. عقل به عنوان قوه ی استدلال و شناخت

7. چهار مورد از ویژگی های «عقول» در فلسفه اسلامی را بنویسید (نهایی دی 99)

اولین مخلوق خداوند / روحانی و غیر مادی / فوق عالم طبیعت / واسطه فیض رسانی به مخلوقات

8. فارابی عقل فعال را به چه چیزی تشبیه می کند؟ چرا (نهایی دی 98)

مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نور بخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه ی عقلی آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه عقل شروع به فعالیت کرده و به ادراک حقایق نائل می شود.

9. در فلسفه اسلامی وظیفه عقل فعال چیست و مقام آن نسبت به انسان مانند چیست؟ (نهایی شهریور 99)
این عقل عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست. مقام آن نسبت به انسان مانند آفتاب نسبت به چشم است.

10. پیام این شعر چیست ؟ توضیح دهید

« غیر این عقل تو ، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست »

علاوه بر عقل انسان عالمی به نام عالم عقول وجود دارد که موجودات آن (فرشتگان) مجرد از ماده و فوق طبیعت هستند و واسطه فیض رسانی خداوند به عوالم دیگر می باشند.

11. مراحل عقل را از نظر فیلسوفان مسلمان به ترتیب بنویسید و هر کدام را تعریف کنید.

1. **عقل هیولائی:** هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد مانند نوزادی که تازه متولد شده است.

2. **عقل بالملکه:** در این مرحله عقل درکی اولیه از قضایای ضروری پیدا می کند مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله انسان می تواند دانش ها را کسب کند. (نهایی دی 99)

3. **عقل بالفعل:** در این مرحله عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب می کند .

4. **عقل بالمستفاد:** در این مرحله انسان به طوری بر دانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام بخواهد می تواند استفاده کند مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را به راحتی حل می کند.

12. از دیدگاه فیلسوفان مسلمان اساس پذیرش هر آیین و اعتقادی چیست؟ آنان کدام نوع استدلال ها را معتبر می دانند؟ از نظر آنان اساس پذیرش هر اعتقادی استدلال عقلی است و همه راه های عقلی شناخت و انواع استدلال ها از جمله استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض هر کدام در جایگاه خود معتبر و مورد قبول هستند.

13. از نظر فیلسوفان مسلمان چه نوع ایمانی ارزشمند است؟ ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد و ایمانی که از عقل و علم و دلیل تهی باشد ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشاند.

14. راه های رسیدن به حقیقت و معرفت را از نظر فلاسفه اسلامی بنویسید. (نهایی دی 98)

وحی / استدلال عقلی / شهود قلبی و عارفانه

- 15.** چرا گاهی برخی از افراد احساس می کنند میان دستاوردهای عقلی و داده های وحی تعارض وجود دارد؟
- زیرا انسان ها توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی دارند و ممکن است از استدلال عقلی درست استفاده نکنند و به نتیجه های نادرست برسند.
- 16.** در مواردی که انسان گمان کند میان داده های عقلی و وحی الهی تعارض وجود دارد باید چه اقدامی انجام دهد؟ انسان باید تلاش علمی خود را افزایش دهد و از دانش دیگران بهره ببرد تا بتواند خطاهای خود را اصلاح نموده و از توهم و گمان تعارض میان دستاوردهای عقلی و وحیانی رهایی یابد.
- 17.** آیا از دیدگاه ملاصدرا میان دستاوردهای عقلانی با وحی و دین الهی تعارضی وجود دارد؟ سخن او را در این زمینه بیان کنید. خیر. او می گوید امکان ندارد که احکام و قوانین دین حق و روشن الهی با دانش و معرفت قطعی و یقینی عقل در تقابل باشد و نفرین بر فلسفه ای که قوانینش مخالف و متضاد با قرآن و سنت باشد.
- 18.** عقیده و معیارهای مشترک عموم فیلسوفان مسلمان را در مورد پذیرش آیین و اعتقادات بنویسید.
1. پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند استدلال عقلی است.
 2. عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است.
 3. استدلال عقلی، وحی الهی و شهود قلبی هر سه راه های کسب معرفت و حقیقت هستند.
- 19.** در مورد رابطه عقل و دین چه تفاوت اساسی میان فیلسوفان مسلمان با رهبران کلیسا وجود دارد؟
- از نظر فلاسفه مسلمان عقل و دین نه تنها هیچ تعارض و تضادی ندارند بلکه موید یکدیگر هستند. و عقل بهترین ابزار برای کسب معارف و حقایق دینی است. و ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد.
- اما از دیدگاه رهبران کلیسا عقل با دین در تضاد و مخالفت است و عقل هیچ جایگاهی در دین ندارد و ایمان انسان را به خطر می اندازد.
- 20.** چرا فیلسوفان مسلمان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم نشدند؟ زیرا آنان همه راه های عقلی شناخت و انواع استدلال های تجربی، تمثیلی و برهان عقلی محض را در جایگاه خود درست و معتبر می دانستند و می گفتند ما فرزندان دلیل هستیم و هر مکتب و آیینی که دلایل استوارتری داشته باشد می پذیریم. (در حقیقت مسلمانان انواع ابزارهای شناخت از جمله حس، قلب و عقل را در جای خود معتبر می دانستند).

نکات مهم درس

1. عامل اصلی توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام پیام الهی و سخنان پیامبر و پیشوایان بود.
2. جایگاه ویژه و ممتاز عقل در جهان اسلام سبب حرکت مسلمانان به سوی علم و دانش و رشد فوق العاده علوم و شاخه های دانش از جمله فلسفه بود.
3. در جهان اسلام مخالفت صریح و مستقیم با عقل کمتر صورت می گرفت و کسی علیه عقل سخن نمی گفت.
4. عقل نزد فلاسفه مسلمان دو مصداق و کاربرد دارد: وجودی برتر و متعالی و قوه استدلال و شناخت.
5. ابن سینا می گوید: هر کس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد از حقیقت انسانی خارج شده است.

6. از نظر فارابی و ابن سینا، اولین مخلوق خدا **عقل اول** است که موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است و عقول دیگر به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند.
7. **عالم عقول** موجودات مجردی هستند که فوق طبیعت بوده و فیض خداوند از طریق آنان به عوالم دیگر می رسد و با حواس ظاهری فابل درک نیستند.
8. از نظر فارابی و ابن سینا (فیلسوفان مسلمان) عقل انسان پرتو و ظهوری از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند علاوه بر استدلال می تواند حقایق را آن گونه که عقول درک می کنند دریابد و مشاهده کند.
9. یکی از عقول عالم عقل، عقل **فعال** نام دارد. وظیفه عقل فعال **فیض رسانی** به عقل انسان هاست و از نظر فارابی مقام آن نسبت به انسان مانند **آفتاب نسبت به چشم** است.
12. فارابی و ابن سینا معتقدند که عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند و مراحل تربیتی را طی کند و **کامل** شود.
13. عقل نزد فلاسفه مسلمان به ترتیب چهار مرحله دارد: **عقل هیولائی / عقل بالملکه / عقل بالفعل / عقل بالمستفاد**.
14. در مرحله عقل هیولائی انسان مانند **نوزاد تازه متولد شده** هیچ ادراکی ندارد اما استعداد درک معقولات دارد.
15. در مرحله عقل بالملکه، عقل **قضایای ضروری** را درک می کند و می تواند دانش ها را کسب کند.
16. در مرحله عقل بالفعل، عقل به **شکوفایی و فعلیت** رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.
17. در مرحله عقل بالمستفاد، عقل مانند یک استاد ریاضی بر مسائل **مسلط** است و می تواند تمام مسائل را به راحتی حل کند .
18. از دیدگاه فلاسفه مسلمان اساس پذیرش هر آیین و اعتقادی **استدلال عقلی** است. و ایمانی ارزشمند است که **پشتوانه عقلی** داشته باشد.
19. از دیدگاه فیلسوفان مسلمان، **عقل** بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است.
20. **ملاصدرا** و **علامه طباطبائی** کتاب های ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشته اند.
21. راه های کسب معرفت و حقیقت از نظر فیلسوفان مسلمان، **عقل ، وحی و شهود** است.
22. فلاسفه مسلمان **وحی** را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به **پیامبران الهی** اختصاص دارد.
23. **ملاصدرا** می گوید: نفرین بر فلسفه ای که قوانینش مخالف و متضاد با **قرآن و سنت پیامبر** باشد.
24. فیلسوفان مسلمان معتقدند عقل و دین یا **وحی الهی** **موید یکدیگرند** و در موضوعات مشترک انسان را به **نتیجه یکسان** می رسانند.
25. دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست بلکه به معنای **بحث استدلالی** درباره حقیقت اشیا همراه با **نقد و بررسی قوت و ضعف دلایل** فیلسوفان است و در درستی یا نادرستی یک دانش عقلی فقط **استدلال** دآوری می کند نه **نژاد و قومیت** اندیشمندان.
- پایان درس هشتم

« درس نهم: آغاز فلسفه »

1. چه زمانی در یک جامعه حیات عقلی شکل می گیرد؟ وقتی مردم یک جامعه به عقل و تفکر و اندیشه توجه کنند به طوری که عقلانیت جزء فرهنگ عمومی جامعه درآید حیات عقلی شکل می گیرد.
2. حیات علمی چگونه آغاز می شود؟ توجه به عقل و فکر، حرکت به سوی دانش و رشد شاخه های مختلف علم را به دنبال دارد و حیات علمی آغاز می شود.
3. مهم ترین زمینه های رشد فلسفه در جهان اسلام را بنویسید.
 1. وجود حیات عقلی در جامعه و حضور عقلانیت و احترام به عقل
 2. بحث و گفت و گو در مباحث اعتقادی و فلسفی که موج ظهور اندیشمندان متکلم شد.
 3. نهضت ترجمه متون علمی و فلسفی از یونان و سایر زبان ها
4. حیات تعقلی مسلمانان از چه زمانی و توسط چه کسانی پایه گذاری شد؟
 - با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی و توسط پیامبر و قرن کریم پایه گذاری شد.
5. برخی از عوامل زمینه ساز حیات فلسفی که در قرآن و سنت پیامبر آمده است را نام ببرید.
 1. ارزش قائل شدن برای اصل تفکر و خرد ورزی
 2. تکریم علم به عنوان ثمره تفکر و خرد ورزی
 3. تکریم و احترام پیوسته عالمان و دانشمندان
 4. طرح مباحث علمی و فلسفی و عقلی و به کار گرفتن شیوه های مختلف استدلال
 5. مذمت پیوسته نادانی و جهل به عنوان یک ویژگی منفی
 6. دعوت به یادگیری علوم دیگر ملت ها و تمدن ها و استفاده از آن ها.
6. متکلم یا متکلمین به چه کسانی گفته می شد؟ دسته ای از دانشمندان بودند که موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دادند.
7. متکلمین در کدام علوم و مسائل تبحر داشتند و شغل آنان چه بود؟ در مسائل اعتقادی مانند اثبات وجود خدا، صفات خداوند، ضرورت معاد و جبر و اختیار و .. به تعلیم و کتابت اشتغال داشتند.
8. نهضت ترجمه متون از چه زمانی آغاز شد و چه نقشی در شکل گیری حیات فلسفی مسلمانان داشت؟

از قرن دوم هجری آغاز شد. این نهضت تنها منحصر به فلسفه نبود بلکه علوم گوناگون از قبیل منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات، طب و سیاست و .. را شامل می شد و در نتیجه کتاب های فراوانی از زبان های یونانی، پهلوی، سریانی و هندی و ... و در رشته های مختلف علمی ترجمه شدند و نهضت ترجمه و یادگیری از دیگران اهمیت فراوان یافت. در چنین شرایطی مسلمانان بسیار زود معارف پیشینیان را فراگرفتند و در تمامی رشته های دانش سرآمد ملت ها شدند و در فلسفه نیز دانش فیلسوفان بزرگ یونان را فراگرفته و به نقد و بررسی آرای آنان پرداختند و نظام فلسفی نوینی را سامان بخشیدند.

9. از نظر یک فیلسوف مشایب حکمت به چه معناست؟ فنی استدلالی و فکری است که انسان، وجود را آن چنان که هست به وسیله این فن به دست می آورد و نفس خویش را به کمال می رساند و به جهانی عقلی مشابه جهان واقعی موجودات تبدیل می شود و مستعد رسیدن به سعادت نهایی به اندازه طاقت بشری می گردد.

10. مختصری از زندگی نامه فارابی و شرح حال وی را بنویسید. در سال 260 هجری در خراسان متولد شد

از جوانی و نزد ابو بشر مثنیٰ بن یونس در بغداد فلسفه و علوم مختلف آموخت و پس از مسافرت هایش به حران و بغداد در نهایت تا آخر عمر در دمشق و نزد حاکم آن سیف الدوله حمدانی زندگی کرد و در سال 339 درگذشت.

او بنیان گذار و موسس حکمت مشایب در جهان اسلام است و معلم ثانی لقب گرفت و به سادگی و قناعت و زندگی فقیرانه شهره دارد. وی در علوم مختلف مانند پزشکی، حقوق، نجوم و سیاست استاد بود.

11. دو مورد از آثار و تالیفات فارابی را بنویسید و بیان کنید هر مورد در چه موضوع و زمینه ایست.

کتاب «الجمع بین رأی الحکیمین» که شامل نظرات افلاطون و ارسطو و نقاط مشترک اندیشه آنان است.

کتاب «أعراض ارسطو فی کتاب ما بعد الطبیعه» که در آن نظرات ارسطو را تشریح و نکات پیچیده اش را آشکار می سازد.

12. فلسفه مشایب در جهان اسلام توسط چه کسی و چگونه بنا شد؟ فارابی به علت آشنایی عمیق با تعالیم اسلام توانست آموخته های خود از افلاطون و ارسطو و سایر فیلسوفان گذشته را در یک نظام فلسفی جدید عرضه کند و فلسفه مشایب را در جهان اسلام بنا نهد. از این رو پس از ارسطو که لقب معلم اول گرفت به معلم ثانی مشهور شد.

13. موسس اولین مکتب فلسفی در جهان اسلام چه کسی بود و به چه لقبی شهرت یافت؟ (نهایی دی 99)

فارابی موسس حکمت مشاء / لقب معلم ثانی گرفت.

14. معلم اول و معلم ثانی به ترتیب لقب کدام فلاسفه بوده است؟ (نهایی دی 98) ارسطو / فارابی

15. مدینه فاضله را از نظر فارابی تعریف کرده و تفاوت آن را با مدینه جاهله بنویسید. (نهایی خرداد 99)

بهترین مدینه ها مدینه ایست که مردم آن به اموری مشغول و به فضایی آراسته اند که مجموعه مدینه و جامعه را به سوی سعادت می برد و چنین جامعه ای مدینه فاضله است. تفاوت آن با مدینه جاهله در هدف است.

16. فارابی مدینه فاضله را به چه چیزی تشبیه می کند؟ وجه تشابه آن ها را بنویسید (نهایی دی 98)

به بدنی سالم تشبیه می کند که هر عضو آن متناسب با ویژگی خود وظیفه ای دارد و آن وظیفه را به نحو احسن انجام می دهد همان گونه که در اعضای بدن برخی بر برخی دیگر تقدم دارند برخی از اعضای جامعه نیز بر برخی دیگر مقدم اند (همان طور که در بدن قلب ریاست می کند در مدینه فاضله نیز کسی که ویژگی ممتازی دارد بر مردم ریاست و رهبری می کند).

17. دو مورد از ویژگی های رئیس مدینه فاضله را نوشته و بیان کنید این ویژگی ها در چه کسانی وجود دارد؟

(نهایی شهریور 99) / روحی بزرگ و سرشتی عالی داشته باشد و به عالی ترین درجات تفکر و تعقل رسیده باشد و بتواند احکام و قوانین الهی را دریافت کند/ که در پیامبر و امامان وجود دارد.

18. بر اساس نظر فارابی هدف مدینه فاضله و مدینه جاهله را مقایسه کنید (نهایی دی 99)

در مدینه فاضله هدف رسیدن به سعادت است اما در مدینه جاهله هدف مردم فقط سلامتی جسم و فراوانی لذت هاست.

19. از نظر فارابی هدف مردم در مدینه جاهله چیست؟ چرا؟ (نهایی دی 99) هدف مردم فقط سلامتی جسم و فراوانی لذت هاست زیرا آن ها گمان می کنند که اگر به چنین لذت هایی دست یافتند به سعادت رسیده اند و اگر دست نیافتند به بدبختی افتاده اند.

نکات مهم درس

1. از توجه و ورود فلسفه به جهان اسلام حدود سیزده قرن می گذرد. این توجه نتیجه یک حیات عقلی و حیات علمی بود که منجر به حیات فلسفی در جهان اسلام گردید.
2. اولین فیلسوف مشهور مسلمان ابو یوسف یعقوب بن اسحاق بود که حدود 270 رساله رساله تالیف کرد.
3. اولین شرط رشد و شکوفایی علم و دانش در جامعه وجود بستر و زمینه مناسب و وجود حیات عقلی است.
4. حیات عقلی و تعقلی مسلمانان با ظهور اسلام و تشکیل جامعه اسلامی آغاز و توسط پیامبر و قرآن کریم پایه گذاری شد و دو قرن بعد به حیات فلسفی انجامید.
5. وجود مباحثات اعتقادی و فلسفی در میان مسلمانان در آغاز اسلام موجب ظهور متکلمین در قرن اول هجری شد. آنان موضوعات اعتقادی دین را با استدلال و منطق مورد بحث قرار می دادند.
6. نهضت ترجمه متون از قرن دوم هجری آغاز شد و کمک شایانی به شکل گیری حیات فلسفی در اسلام نمود.
7. یکی از مترجمان معروف و زیر دست در عصر نهضت ترجمه، حنین بن اسحاق بود.
8. نهضت ترجمه متون موجب آشنایی مسلمانان با علوم و دانش های مختلف و معارف پیشینیان و سرآمدی آنان بر سایر ملت ها شد.
9. در فلسفه، مسلمانان با ترجمه متون یونانی، دانش فیلسوفان یونان را آموخته و با نقد و بررسی آرای آنان نظام فلسفی جدیدی را سامان دادند که ضمن برخورداری از آرای افلاطون و ارسطو در بردارنده ی اندیشه های جدید بود.
10. فلسفه اسلامی در آغاز سرشتی کاملاً استدلالی داشت و متکی بر آرای ارسطو بود. چون ارسطو پیش از همه به قیاس برهانی تکیه می کرد فلسفه اسلامی نیز صورت استدلالی قوی گرفت.
11. تلاش های محکم و استوار فارابی و نبوغ استدلالی ابن سینا صورت استدلالی فلسفه را با ظریف ترین موشکافی ها آراست و نظامی فلسفی مستحکم و قوی به نام حکمت مشاء را پدید آورد.
12. موسس اول حکمت مشاء، ارسطو می باشد که لقب معلم اول گرفته است. پایه گذار حکمت مشاء در جهان اسلام فارابی است که به معلم ثانی مشهور است و نخستین مکتب فلسفی در اسلام را بنا نهاده است.



مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار

« درس دهم: دوره میانی »

1. ابن سینا در مشرق زمین و اروپا به چه القاب و عناوینی مشهور است؟

در مشرق زمین به ابوعلی سینا، ابن سینا، شیخ الرئیس و حجة الحق شهرت دارد و در اروپا و غرب او را اویسنا یا اویسن و شاهزاده اطبا می نامند.

2. زندگی نامه و شرح حال ابن سینا را به صورت مختصر بنویسید.

در سال 370 هجری در بخارا متولد شد. از کودکی قرآن و ادب آموخت و در منطق و ریاضیات شاگرد ابو عبدالله ناتلی شد و از او پیشی گرفت و در سن شانزده سالگی بیشتر علوم زمان خود از ریاضیات، منطق، فقه و فلسفه و طب را فراگرفت. وی به شیخ الرئیس شهرت دارد. او فلسفه مشایی را به صورت مدون و نظام مند ارائه کرد. و آثار و تالیفات مهمی از جمله کتاب قانون و شفا را بر جای گذاشت.

3. مهم ترین کتاب ها و آثار ابن سینا و موضوعات هر کدام را بنویسید.

کتاب قانون: نوعی فرهنگ نامه پزشکی است که در سن شانزده سالگی آن را تالیف کرد.

کتاب شفا: دایرة المعارف عظیم علمی و فلسفی شامل موضوعاتی چون منطق، ریاضی، علوم طبیعی و الهی است. بخش الهیات شفا که در بردارنده فلسفه ابن سیناست کامل ترین مرجع حکمت مشایی است.

کتاب نجات: شکل مختصر کتاب شفاست.

کتاب انصاف: دارای بیست جزء بود که در حمله غزنویان به اصفهان به غارت رفت.

کتاب اشارات و تنبیهات: شامل آخرین دیدگاه های ابن سینا در حکمت است.

دانشنامه علایی: به زبان پارسی و شامل ابواب مختلف حکمت است و برای علاء الدوله حاکم اصفهان نوشته است.

4. طبیعت را از نظر ابن سینا تعریف کنید. طبیعت مرتبه ای از هستی است که رو به مقصدی خاص دارد و این مقصد در ذات عالم طبیعت است.

5. از دیدگاه ابن سینا علت نامگذاری این عالم به طبیعت چیست؟

بدان جهت است که اجزای این عالم هرکدام طبع و ذات خاصی دارند و خود این عالم به عنوان یک کل، طبع و ذاتی دارد که منشأ و مبدأ تحولات و حرکات آن است.

6. به نظر ابن سینا چرا عالم طبیعت نظام احسن است؟ زیرا خداوند عالم طبیعت را با لطف و عنایت خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تالیف شده اند که بهترین نظام ممکن یعنی نظام احسن را تحقق می بخشند.

7. به عقیده ابن سینا چه عاملی اشیاء را به سوی خیر و کمال سوق می دهد و شرط آن چیست؟

طبیعت هر شی / به شرطی که مانعی در راه طبیعت قرار نگیرد.

8. ابن سینا وجود شر و بدی در طبیعت را چگونه توضیح داده است؟ (نهایی دی 98)
- او می گوید در یک نگاه کلی به طبیعت متوجه می شویم که تمام اموری که به ظاهر بی نظمی و شر هستند در واقع برای اعتدال طبیعت و کمال نهایی آن و در یک نظم کلی جهانی لازم و مثبت می باشد.
9. پادشاه راستین از منظر ابن سینا کیست؟ آن توانگر و بی نیاز مطلق است که هیچ چیز در هیچ چیز از او بی نیاز نیست. ذات هر چیزی از اوست و همه چیز بنده و مملوک او هستند و او به هیچ چیز محتاج نیست.
10. به نظر ابن سینا چه چیزی باعث ایجاد خشوع و خشیت در نهاد دانشمند در برابر حق می شود؟
- (نهایی دی 99) او می گوید: تامل در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خداوند در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها دانشمند را از ظاهر پدیده ها عبور می دهد و به باطن آن ها می رساند و آن ها را به خشوع و خشیت در برابر حق و ا می دارد.
11. در مورد کتب ابن سینا به دو سوال زیر پاسخ دهید. (نهایی دی 98)
- الف) کدام کتاب او مختصر کتاب شفا می باشد؟ (کتاب نجات)
- ب) کدام کتابش شامل آخرین دیدگاه های او در حکمت است؟ (کتاب اشارات و تنبیهات)
12. مهم ترین کتاب شیخ سهروردی چیست و او کدام مکتب فلسفی را پایه گذاری کرد؟
- کتاب حکمة الاشراق / حکمت اشراقی
13. حکمت اشراقی را تعریف کنید. حکمت اشراقی نوعی بحث از وجود است که تنها به نیروی عقل و استدلال اکتفا نمی کند بلکه آن را با سیر و سلوک قلبی نیز همراه می سازد. از دیدگاه این مکتب تحقیق فلسفی به شیوه استدلالی محض بدون رسیدن به قلب و سیر و سلوک عارفانه بدون تربیت عقلانی بی نتیجه و گمراه کننده است.
14. فیلسوف اشراقی به چه کسی گفته می شود؟ (فیلسوف اشراقی چه ویژگی دارد؟)
- فیلسوف اشراقی فیلسوفی است که می کوشد آنچه را در مقام بحث و استدلال به دست آورده با شهود قلبی و تجربه درونی دریابد و به ذائقه دل برساند و آنچه از طریق شهود کسب کرده را با استدلال و برهان به دیگران تعمیم دهد.
15. شیخ سهروردی چگونه حکمت اشراق را پایه گذاری نمود؟
- او با احیا فلسفه نور و اشراق ایران باستان و تلفیق آن با عرفان اسلامی حکمتی نو به نام حکمت اشراق را پایه گذاری کرد.
16. قطب الدین رازی حکمت اشراقی و اشراق را چگونه تعریف می کند و منشا آن را در کجا می بیند؟ حکمت اشراقی حکمتی است که اساس و بنیان آن اشراق است و اشراق نیز به معنی کشف و شهود است و این همان حکمت شرقیانی است که اهل فارس بوده اند. زیرا حکمت آن ها هم شهودی و کشفی بوده است.
17. از دیدگاه قطب الدین رازی علت نام گذاری مکتب فلسفی سهروردی به حکمت اشراقی چیست؟
- زیرا این حکمت از ظهور و انوار عقلی و تابش آن ها بر نفس انسان های کامل به دست می آید.

18. با توجه به فلسفه سهروردی مفاهیم زیر را تعریف کنید. (نهایی 98 و 99)

(الف) نور الانوار: مبدأ جهان و خالق هستی و نور محض (خداوند) است که اشیای دیگر از تابش و پرتو نور او پدید آمده اند.

(ب) مشرق جهان: نور محض یا محل فرشتگان مقرب است که به دلیل تجرد از ماده بر موجودات خاکی قابل مشاهده نیست.

(ج) مغرب کامل: جهان تاریکی یا عالم ماده است که بهره ای از نور ندارد.

(د) مغرب وسطی: در میان مشرق محض و مغرب کامل، مغرب وسطی قرار دارد که در آن نور و ظلمت به هم آمیخته اند.

(ه) حکیم مُتَّالِه: کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند.

19. از دیدگاه سهروردی واقعیت اشیا و موجودات و تفاوت آن ها در چیست؟

هر واقعیتی نور است اما نه نور مطلق بلکه درجه ای از نور است و تفاوت موجودات در شدت و ضعف نورانیت آن هاست.

20. از منظر سهروردی وجود و حیات موجودات چگونه شکل می گیرد و رستگاری در چیست؟

ذات نخستین و نور مطلق یعنی خداوند پیوسته نور افشانی و اشراق می کند و متجلی می شود و همه چیزها را به وجود می آورد و با اشعه ی نور خود به آن ها حیات می بخشد. همه چیز در این جهان پرتوی از نور ذات اوست و هر زیبایی و کمالی موهبتی از رحمت اوست / رستگاری در وصول کامل به این روشنی خداوند است.

21. سهروردی جویندگان معرفت را به چند دسته تقسیم می کند؟ چهار دسته شامل

1. آنان که تازه عطش و شوق معرفت یافته و جویای آن اند.

2. آنان که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده اند اما از ذوق و عرفان بهره ای ندارند.

3. آنان که به طریقه برهان و فلسفه استدلال توجهی ندارند و فقط تصفیه نفس می کنند و به شهودهایی رسیدند

4. آنان که هم در صور برهانی به کمال رسیده و هم به اشراق و عرفان دست یافته اند (به این ها حکیم متاله گفته می شود و بهترین گروه هستند).

22. از دیدگاه سهروردی چه کسی شایسته خلافت و ریاست تامه است و شرط مقام خلافت چیست؟

حکیمی که غرق در تالّه بوده و در بحث نیز استاد باشد شایسته ریاست و خلافت است. برای مقام خلافت ضروری است که امور و حقایق را بی واسطه از حق تعالی دریافت کند.

23. به نظر سهروردی چه زمانی جهان نورانی و درخشان و چه وقت تاریک و ظلمانی می گردد؟

هر گاه ریاست واقعی جهان به دست امام و حکیمی متاله باشد جهان نورانی می شود و هر گاه جهان از تدبیر حکیمی الهی تهی بماند ظلمت و تاریکی بر آن سایه می افکند.

24. مهم ترین تفاوت حکمت اشراقی و حکمت مشایی در چیست؟

در حکمت مشایی فقط به بحث عقلی و استدلال منطقی توجه می شود و به شهود قلبی و عارفانه توجه چندانی نمی شود. اما در حکمت اشراقی هم بحث عقلی و فلسفه استدلالی و هم شهود درونی و عرفانی مورد توجه قرار می گیرد.

نکات مهم درس

1. ابن سینا در مشرق زمین به **شیخ الرئیس**، **حجة الحق** و **ابن سینا** شهرت دارد و در اروپا و غرب به **اویسنا**، **اویسن** و **شاهزاده اطباء** مشهور است.
2. ابن سینا می گوید **علم طب** دشوار نیست و من پس از مدت کوتاهی در آن مهارت یافتم.
3. ابن سینا می گوید هر گاه در مسئله ای حیران می ماندم با **نماز و تضرع و زاری** به درگاه خدا و با **قرائت قرآن** برایم روشن می شد و بسیاری از مسائل در **خواب** برایم **مکشوف** می گشت.
4. روش ابن سینا در تحلیل مسائل فلسفه، **عقلی و استدلالی** است. او این روش را که **ارسطو** پایه گذاری کرده بود به اوج رساند و فلسفه مشایی را به صورت **مدون و نظام مند** ارائه کرد.
5. مهم ترین آثار و تالیفات ابن سینا کتاب **قانون**، **شفا**، **نجات**، **انصاف**، **اشارات** و **تنبيهات** و **دانشنامه علایی** است.
6. فلسفه ابن سینا در بخش **الهیات شفا** آمده و این کتاب کامل ترین مرجع **حکمت مشایی** است.
7. از منظر ابن سینا خداوند عالم **طبیعت** را با **لطف و عنایت** خود پدید آورده و همه اجزای آن چنان ترکیب و تالیف شده اند که بهترین نظام ممکن یعنی **نظام احسن** را تحقق می بخشند.
8. به عقیده ابن سینا **طبیعت** هر شی آن را به سوی کمال و خیر **مطلبوش** سوق می دهد به شرط اینکه مانعی در راه **طبیعت** قرار نگیرد.
9. ابن سینا معتقد است آنچه در ظاهر در **طبیعت** شر و بدی به نظر می رسد همگی در یک **نظم کلی جهانی** و برای **کمال نهایی طبیعت** و اعتدال آن لازم است.
10. کشف ویژگی های طبیعت و روابط پدیده های آن به شکل **گیری علوم طبیعی** منجر می شود.
11. ابن سینا **پادشاه راستین** را خدای توانگر مطلق و بی نیاز می داند که هر چیزی از ذات او پدید آمده است.
12. به اعتقاد ابن سینا **تامل** فیلسوف در رابطه طبیعت با ماوراء طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده ها موجب رسیدن به **باطن اشیاء و خشوع و خشیت الهی** می شود.
13. **شیخ سهرودی** **موسس حکمت اشراقی** است و مهم ترین کتاب وی **حکمة الاشراق** است. او با احیاء فلسفه **نور و اشراق ایران باستان** و تلفیق آن با **عرفان اسلامی** حکمت اشراقی را پایه گذاری نمود.



مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار



مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار



مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار



مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار



مرکز مشاوره تحصیلی

علیرضا افشار

5. شیخ بهائی و میر داماد استادان ملاصدرا بودند. **میرداماد** بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان بود.
6. ملاصدرا بنیان گذار **حکمت متعالیه** است که تلفیقی از **برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی** است و نتیجه تکاملی دو **مکتب مشایی و اشراقی** می باشد.
7. مهم ترین کتاب ملاصدرا **اسفار اربعه** است که در چهار بخش و بر اساس مراحل چهارگانه **سیر و سلوک عارفانه** تنظیم شده است.
8. منابع حکمت متعالیه عبارتند از: **قرآن کریم و روایات / فلسفه مشایی / فلسفه اشراقی / عرفان اسلامی**.
9. مهم ترین اصول فلسفی ملاصدرا شامل **اصالت وجود، وحدت حقیقت وجود و مراتب داشتن وجود** است.
10. **اصالت وجود** بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدراست به همین جهت گاهی این فلسفه به **فلسفه اصالت وجودی** هم شناخته می شود.
11. مقصود از **اصالت وجود، واقعی و غیر ذهنی بودن وجود** است یعنی **وجود امری واقعی** است.
12. ابن سینا معتقد بود در هر شی خارجی دو مفهوم **وجود و ماهیت (هستی و چیستی)** را می توان دید. و این دو در ذهن **باهم مغایر و متفاوت** هستند.
13. برخی از فیلسوفان مانند **میر داماد** معتقد بودند **اصالت و واقعیت با ماهیت** است و وجود صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. این فیلسوفان **اصالت ماهیتی** نامیده شدند.
14. ملاصدرا معتقد بود که این **وجود** است که **اصیل و واقعی** است و **واقعیت خارجی** مصداق وجود است. البته وجودها **متفاوت و دارای نقص و کمالات متفاوتند**.
15. ملاصدرا می گوید: «جهان چیزی جز **وجود و حقیقت وجود** نیست».
16. **وحدت حقیقت وجود** به این معنی است که **هستی و وجود یک حقیقت واحد** است و همه اشیا و موجودات از نظر **وجودی یکسان و واحدند**.
17. عارفان اصل **وحدت وجود** را از طریق **شهود عرفانی** کسب کردند و آن را در قالب **تمثیل و تشبیه** به دیگران می رساندند.
18. منظور از **مراتب داشتن وجود** این است که با اینکه **هستی یک حقیقت واحد** است اما این **حقیقت واحد دارای درجات و مراتب** است و همانند نور دارای **شدت و ضعف** است.
19. از دیدگاه ملاصدرا، **اختلاف موجودات در شدت و ضعف نور وجودی** سبب تمایز آن ها و پیدایش **تکثر و تعدد** در عالم می شود.
20. در فلسفه صدرایی، **وجود** که محور **فلسفه مشایی** بود و **نور** که اساس **فلسفه اشراقی** بود به هم می رسند و یکی می شوند و **یک معنا و هویت** پیدا می کنند.

پایان درس یازدهم

« درس دوازدهم: حکمت معاصر »

1. مقصود از حکمت معاصر در ایران چیست و چه تفاوت عمده ای با دوره های قبل دارد ؟

مقصود دوره و حیات فلسفی جدیدی است که از حدود صد سال پیش با آغاز نهضت مشروطه در ایران پدید آمد و تفات عمده آن با دوره های گذشته ورود فلسفه های جدید اروپا به جهان اسلام و ایران است.

2. ورود فلسفه جدید اروپایی به ایران از چه زمانی آغاز شد و چه پیامدهایی داشت ؟

از زمان آغاز نهضت مشروطه/ کتاب های فلسفی فیلسوفان بزرگ اروپا به فارسی ترجمه شد ، دانشجویانی برای آشنایی با فیلسوفان و مکاتب فلسفی اروپایی به آنجا رفتند، رشته های تحصیلی مربوط به فیلسوفان اروپایی در دانشگاه های ایران تاسیس شد و به تدریج اساتیدی وارد آموزش فلسفه شدند که متخصص در تبیین و تحلیل نظرات فیلسوفان اروپایی بودند.

3. پس از سقوط دولت صفویان چه تحولاتی در زمینه علمی ، فرهنگی و فلسفه در ایران بوجود آمد ؟

پس از سقوط صفویان، نابسامانی هایی ایران را فرا گرفت که تا مدت های طولانی ادامه یافت، این نابسامانی ها، حیات علمی و فرهنگی را به شدت ضعیف کرد و همه علوم از جمله فلسفه را از رونق انداخت لذا با وجود اینکه در این ایام چند فیلسوف نام آشنا به تدریس فلسفه اشتغال داشتند اما حیات فلسفی از شادابی چندانی برخوردار نبود.

4. چه عواملی و از چه زمانی زمینه را برای حیات مجدد فلسفه در ایران فراهم کرد ؟

در اواخر حکومت قاجار یک جنبش فکری و اجتماعی در ایران شکل گرفت و در حوزه فرهنگ نیز جنب و جوشی پدید آمد و مسئله های فکری و فلسفی جدیدی مطرح گردید که زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

5. برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه های جدید اروپایی که وارد ایران شد چگونه بود ؟

آنان که با فلسفه های مشایی، اشراقی و متعالیه آشنا بودند تلاش کردند با بهره گیری از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند. از این رو تلاش کردند بار دیگر فلسفه را که به رکود گراییده بود احیا کرده و رونق ببخشند و فلسفه ای غنی تر و پربارتر که ناظر بر مسائل روز جامعه باشد عرضه نمایند.

6. کانون اصلی فعالیت های فلسفی معاصر در ایران کدام شهرها بودند؟ برخی از اساتید برجسته فلسفه در عصر حاضر را نام ببرید. قم و تهران کانون اصلی فلسفه بودند و در مشهد و اصفهان هم حلقه های درسی فلسفه تشکیل می شد/ میرزا جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، ابوالحسن رفیعی، سید محمد کاظم عصّار، محمد مهدی الهی قمشه ای، آیت الله محمد علی شاه آبادی، امام خمینی و علامه طباطبایی.

7. چرا حلقه درس فلسفی امام خمینی به شاگردان نزدیک ایشان اختصاص داشت و علنی نمی شد ؟

زیرا بسیاری از بزرگان به شدت با تدریس فلسفه و به خصوص فلسفه صدرایی مخالف بودند و آن را فلسفه ای ضد دینی می دانستند.

8. برخی از آثار و تالیفات عرفانی امام خمینی را نام ببرید. تعلیقات به شرح فصوص الحکم / شرح بر مصباح الانس / مصباح الهدایة / اراده و طلب / شرح دعای سحر / سر الصلوة / آداب الصلوة .

9. جایگاه و قدرت علمی و فلسفی امام خمینی را توضیح دهید.

قدرت علمی ایشان به گونه ای بود که در همان سنین جوانی کتاب هایی مانند اسفار ملاحظه در و شفای ابن سینا را تدریس می کرد و کتاب های مهمی در زمینه عرفانی تالیف نمود. شاگردان وی نقل نمودند که وی در تفکر فلسفی نبوغ خاصی داشت و در تدریس حکمت متعالیه بسیاری از مباحث را با بیانی بی نظیر، تفسیر عرفانی می کرد. امام خمینی شاگردانی تربیت نمود که بعدها به شخصیت های درجه اول حوزه تبدیل شدند و در علوم عقلی و فلسفه تبحر یافتند و مسائل فکری روز را می دانستند.

10. بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر چه کسی است؟ او درس عرفان و اخلاق را نزد چه کسی آموخت و روش تفسیری وی چگونه بود؟

علامه طباطبایی / استاد وی در عرفان و اخلاق میرزا علی آقا قاضی بود / روش تفسیری طباطبایی روش تفسیر قرآن به قرآن بود که از استاد خود میرزا قاضی آموخته بود.

11. علامه طباطبایی پس از بررسی و ارزیابی شرایط علمی و فرهنگی ایران و حوزه قم به چه نتیجه ای می رسد؟ او در می یابد که اندیشه های جدید و مکاتب فلسفی که از اروپا به ایران آمده به خصوص تفکرات ماتریالیستی و مارکسیسم در حال گسترش است و حوزه های علمیه هنوز آمادگی لازم برای مواجهه با این افکار و اندیشه ها را ندارد و تدریس فلسفه و مباحث فلسفی همچنان اندک است و مورد استقبال قرار نمی گیرد.

12. مهم ترین اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی در ایران را بنویسید.

1. تدریس فلسفه ناظر بر مسائل روز فلسفی
2. احیاء تدریس و تفسیر قرآن کریم
3. ملاقات با فیلسوفان و خاورشناسان و اساتید دانشگاه ها و تلاش برای شناساندن روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع به جهان غرب.
4. تربیت شاگردان برجسته.

13. کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم تالیف کیست و مشتمل بر چه موضوعاتی است؟ (نهایی دی 98)

علامه طباطبایی / این کتاب شامل نقد و بررسی مکتب های فلسفی به خصوص مارکسیسم و بیان یک دوره فلسفه اسلامی مرتبط با مسائل روز جامعه است.

14. کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم چه نقش و تاثیری در جامعه علمی ایران داشت؟

این کتاب در روشن کردن افکار طلاب و دانشجویان و دانش پژوهان نقشی تعیین کننده داشت و نشان داد که می توان از ذخیره فلسفی صدرائی بهره گرفت و متناسب با مهم ترین مسائل فلسفی روز مجموعه ای تالیف کرد که پاسخگوی نیازهای مادی ما در همین عصر باشد.

15. ویژگی شاخص و بارز کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که تا آن روز در فلسفه ایران سابقه نداشت چیست؟ توضیح دهید.

ویژگی بارز آن نگاه تطبیقی به فلسفه بود. علامه طباطبایی و استاد مطهری در این کتاب تلاش کردند که در مباحث مهمی مثل شناخت و علیت، دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند.

16. برخی از آثار و تالیفات فلسفی علامه طباطبایی را نام ببرید. کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم / کتاب بدایة الحکمة برای تدریس در سطح اولیه و کتاب نهایة الحکمة برای تدریس در سطح بالاتر و تخصصی تر.

17. هدف علامه طباطبایی از احیاء تدریس و تفسیر قرآن چه بود؟ او چگونه این کار را انجام داد؟

یکی از اقداماتی که در آن عصر ضروری بود توجه دادن جامعه به آموزه های قرآن کریم و بهره مندی از آن در زندگی روز مره و تحولات اجتماعی بود، علامه طباطبایی جلسات تفسیری تشکیل داد و به تفسیر قرآن به سبکی جدید پرداخت که نتیجه آن تالیف یک تفسیر بیست جلدی به نام میزان است .

18. علامه طباطبایی در تفسیر قرآن از چه روشی استفاده می کند؟ او علاوه بر تفسیر آیات، کدام مباحث را و به چه هدفی مطرح می سازد؟

او در این تفسیر، آیات قرآن کریم را با کمک آیات دیگر تفسیر می کند و نشان می دهد که این کتاب آسمانی یک منظومه و مجموعه کاملا منسجم است. وی علاوه بر این برای تبیین بیشتر آیات و برای پیوند با مسائل روز به مباحث مستقل فلسفی می پردازد و مجموعه ای غنی از مباحث فلسفی را در کنار تفسیر آیات ارائه می دهد.

19. یکی از فیلسوفان غربی که ملاقات های متعددی با علامه طباطبایی داشت که بود؟ حاصل این مذاکرات چه بود؟ هانری گربن / حاصل این مذاکرات تالیف دو کتاب « شیعه » و « رسالت تشیع » توسط هانری کربن است.

20. هدف علامه طباطبایی از ملاقات با اساتید دانشگاه ها و خاورشناسان و فیلسوفان غربی چه بود و چه نتیجه ای در پی داشت؟

او می خواست روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع را به ایشان بشناساند. نتیجه این فعالیت ها این بود که آثار وی به زبان های اروپایی ترجمه شد و تفکر شیعی به جهان غرب نیز راه یافت.

21. برخی از شاگردان ممتاز و مهم علامه طباطبایی را نام ببرید. استاد مطهری که برجسته ترین شاگرد وی بود. شهید بهشتی، شهید باهنر، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله محمد تقی مصباح و...

22. شاگردان علامه طباطبایی چه نقشی در نهضت اسلامی امام خمینی و رونق علوم اسلامی و فلسفه داشتند؟

این متفکران و اندیشمندان که بسیاری از آنان یاران صمیمی امام خمینی بودند بازوی فکری و فرهنگی نهضت اسلامی امام خمینی را بوجود آوردند و صدها کلاس درس و هزاران کتاب در زمینه فلسفه و سایر علوم اسلامی تالیف کردند و حیات فرهنگی نهضت را تغذیه نمودند.

23. ساختار و نظام فکری هر فرد را به چه چیزی می توان تشبیه کرد؟ وجوه شباهت و نتیجه این تمثیل را بیان کنید.

ساختار و نظام فکری هر فرد مشابه با یک درخت است که مبانی فلسفی پذیرفته شده توسط آن فرد به منزله ریشه آن درخت است و سایر افکار و اندیشه های وی مانند نگاه او به زندگی، سیاست و خانواده و .. شاخ و برگ های آن درخت هستند. از این رو به میزانی که ریشه این درخت کم عیب ، سالم و قوی و استوار باشد شاخ و برگ های آن هم سالم، محکم و استوار خواهند بود و این درخت اندیشه همان نظام فکری انسان است.

24. انسان ها بر اساس ساختار و نظام فکری شان به چند دسته تقسیم می شوند و هر گروه چه ویژگی دارند؟

گروه اول: کمتر اهل اندیشه ورزی هستند و نظام فکری مشخصی برای خود ندارند و اهل تقلید از جامعه و دیگرانند.

گروه دوم: وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی شده اند اما افکارشان خوب شکل نگرفته و نمی توانند به خوبی میان افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. این گروه در حال رشد و پیشرفت هستند.

گروه سوم: در انتخاب نظام فکری خود دچار خطا شده و ریشه فکری و سبک زندگی معیوب و ناسالم دارند.

گروه چهارم: نظام فکری درستی دارند که پایه های آن استوار است و با عقلانیت و دقت بالا مسائل را از ریشه فکری خود استنباط و استخراج و تحلیل می کنند.

گروه پنجم: مبنا و ریشه خوبی برای نظام فکری خود دارند اما قدرت عقلی و تفکری ندارند که میان این مبانی و تصمیم گیری های زندگی پیوند ایجاد کند. شاخ و برگ های درخت زندگی این گروه شاداب و مناسب نیست.

25. استاد مطهری نظام فکری و عملی خود را چگونه و بر چه اساسی بنا نمود؟ توضیح دهید.

استاد مطهری براساس عمیق ترین اندیشه های فلسفی که با نبوغ فکری خود از اساتیدش آموخته بود و با تفکر و تدبیر در قرآن کریم و سخنان پیامبر و اهل بیت کسب کرده بود یک نظام فکری و عملی خردمندانه را سامان داد که در عین اتکا به میراث فکری و عملی تمدن اسلامی، پاسخگوی نیازهای زمان و عصر حاضر است.

26. سبک زندگی کدام دسته از افراد بر اساس تقلید شکل می گیرد؟ (نهایی دی 99)

کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی هستند و اصولاً یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند.

نکات مهم درس

1. حکمت معاصر از حدود صد سال پیش با آغاز نهضت مشروطه در ایران شکل گرفت و تفاوت عمده آن با دوره های قبل ورود فلسفه های جدید اروپا به جهان اسلام و ایران است.
2. پس از سقوط دولت صفویان حیات علمی و فلسفی ایران تا مدت طولانی دچار رکود شد تا اینکه در اواخر حکومت قاجار با شکل گیری جنبش فکری و اجتماعی، زمینه برای حیات مجدد فلسفه فراهم شد.
3. فیلسوفان ایرانی تلاش کردند با بهره گیری از فلسفه اسلامی، فلسفه ی اروپایی جدید را بفهمند و ارزیابی کنند آنان به بازسازی و نوسازی ذخایر فلسفی گذشته پرداخته و فلسفه ای غنی و پربار و ناظر بر مسائل روز جامعه عرضه کردند.
4. کانون اصلی فلسفه معاصر، قم و تهران بود و از مهم ترین فیلسوفان آن علامه طباطبایی و امام خمینی بودند.
5. آیت الله شاه آبادی استاد امام خمینی نقشی اساسی در شکل گیری شخصیت فلسفی و عرفانی وی داشت.
6. امام خمینی آثاری از جمله مصباح الهدایة ، سر الصلوة و آداب الصلاة ، شرح مصباح الأئس و ... دارد.
7. بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر علامه طباطبایی است.

8. استاد علامه طباطبایی در عرفان و اخلاق، میرزا علی آقا قاضی بود.
9. علامه طباطبایی تفسیر بیست جلدی از قرآن نوشت و از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده کرد. علاوه بر تفسیر آیات، وی برای تبیین بیشتر آیات و پیوند با مسائل روز به مباحث مستقل فلسفی در تفسیرش می پردازد.
10. تدریس فلسفه ناظر بر مسائل روز فلسفی، احیاء تدریس و تفسیر قرآن، گسترش فلسفه اسلامی و تفکر شیعی در غرب و تربیت شاگردان برجسته از مهم ترین اقدامات علمی و فرهنگی علامه طباطبایی است.
11. یکی از مهم ترین آثار فلسفی علامه طباطبایی، کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم است. متن اصلی کتاب توسط خود علامه و پاورقی های آن توسط استاد مطهری نوشته شده است. این کتاب شامل نقد فلسفه های جدید غربی و بیان یک دوره فلسفه اسلامی است.
12. ویژگی بارز و جدید کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم، نگاه تطبیقی به فلسفه و مقایسه آرای فیلسوفان است.
13. علامه طباطبایی دو کتاب درسی در موضوع فلسفه تالیف کردند. بدایة الحکمة برای سطح اولیه و نهیة الحکمة برای سطح تخصصی تر.
14. یکی از فیلسوفانی اروپایی که علامه طباطبایی ملاقات های متعددی با او داشت هانری کربن است. نتیجه این ملاقات ها تالیف دو کتاب به نام شیعه و رسالت تشیع است.
15. شاگردان علامه طباطبایی نقش بارزی در حرکت نهضت اسلامی امام خمینی و تغذیه حیات فرهنگی نهضت داشتند. استاد مطهری برجسته ترین شاگرد امام خمینی و علامه طباطبایی بود.
16. هر فلسفه ای سبک زندگی خاص خود را به دنبال دارد. فلسفه الهی مانند فلسفه افلاطون و فارابی رنگ و بوی زندگی را الهی می کند و فلسفه مبتنی بر اصالت حس و ماده، اهداف زندگی را در محدوده امور مادی قرار می دهد.
17. ساختار و نظام فکری هر فرد مانند یک درخت است که مبانی فلسفی فرد، ریشه های این درخت و سایر افکار و اندیشه های وی مانند شاخ و برگ های آن درخت هستند. هر چه ریشه های این درخت و اندیشه استوار تر باشد شاخ و برگ ها و سایر افکار زندگی استوار و محکم خواهند بود. این درخت اندیشه نظام فکری نامیده می شود.
18. انسان ها با توجه به نظام فکری شان به پنج گروه تقسیم می شوند و ویژگی های متفاوتی دارند.
19. استاد مطهری بر اساس اندیشه های عمیق فلسفی، با نبوغ فکری خود و با تفکر و تدبر در قرآن و روایات نظام فکری و عملی خردمندانه ای را سامان داد که پاسخگوی نیازهای زمان حاضر بود.

پایان درس دوازدهم

پایان جزوه / دی 99

« الحمد لله رب العالمین »



مرکز مشاوره تحصیلی
علیرضا افشار

راه‌های ارتباطی مرکز مشاوره

تلگرام

اینستاگرام

وبسایت



AlirezaAfsharOfficial

AlirezaAfsharOriginal

www.AlirezaAfshar.org

رزور مشاوره خصوصی علیرضا افشار

برای رزور مشاوره خصوصی تک جلسه و ماهانه
به شماره ۰۹۳۵۸۹۶۰۵۰۳ در واتساپ پیام دهید

Afshar.xyz

آدرس تمام رسانه ها :

